



برپایی مراسم
چشمن و عزرا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برپایی مراسم جشن و عزا

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۱۰ | برپایی مراسم جشن و عزا |
| ۱۰ | مشخصات کتاب |
| ۱۱ | اشاره |
| ۱۹ | مقدمه ناشر |
| ۲۱ | برپایی شعائر دینی |
| ۲۱ | اشاره |
| ۲۱ | مفهوم شعائر |
| ۲۳ | تنوع شعائر |
| ۲۴ | بررسی ادله رجحان |
| ۲۴ | توضیح |
| ۲۴ | الف - آیات شعائر |
| ۲۶ | ب - آیات مشابه |
| ۲۹ | واگذاری تطبیق به عرف |
| ۳۱ | پاسخ به شبهات |
| ۳۱ | اشاره |
| ۳۱ | ۱ - ضرورت جعل از جانب شارع!! |
| ۳۱ | پاسخ |
| ۳۲ | ۲ - لزوم تفویض شریعت |
| ۳۲ | پاسخ |
| ۳۳ | ۳ - لزوم تحلیل حرام و تحریم حلال!! |
| ۳۳ | پاسخ |
| ۳۴ | ۴ - بازی با مسلمات شریعت!! |
| ۳۴ | پاسخ |

- ۳۵ ۵ - تعمیم به تمام موارد
- ۳۵ پاسخ
- ۳۶ ۶ - هتک حرمت مبانی اسلام و ارکان شریعت!!
- ۳۶ پاسخ
- ۳۷ ۷ - ضرری بودن برخی از شعائر!!
- ۳۷ پاسخ
- ۳۷ ۸ - به استهزا کشانده شدن شریعت!!
- ۳۸ پاسخ
- ۳۹ برپایی مراسم جشن
- ۳۹ برپایی مراسم جشن
- ۳۹ فتاوی و هابیان
- ۴۱ برپایی جشن، مظهر حبّ و بغض
- ۴۱ اشاره
- ۴۱ وجوب محبت
- ۴۱ توضیح
- ۴۱ ۱ - خداوند
- ۴۲ ۲ - رسول خداصلی الله علیه وآله
- ۴۳ ۳ - آل بیت پیامبرعلیهم السلام
- ۴۳ عوامل لزوم حبّ آل رسول علیهم السلام
- ۴۶ برپایی مراسم از دیدگاه قرآن
- ۴۶ اشاره
- ۴۷ الف) مقام ابراهیم علیه السلام
- ۴۷ ب) صفا و مروه
- ۴۸ ج) فدیه
- ۴۹ د) رمی جمرات
- ۵۴ برپایی مراسم از دیدگاه احادیث

| | |
|----|---|
| ۵۸ | عید میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله نزد اهل سنت |
| ۶۳ | فواید برپایی مراسم |
| ۶۴ | بررسی اشکالات و هابیان |
| ۶۴ | اشاره |
| ۶۴ | اشکال اول |
| ۶۴ | پاسخ |
| ۶۴ | اشکال دوم |
| ۶۴ | پاسخ |
| ۶۵ | اشکال سوم |
| ۶۵ | پاسخ |
| ۶۵ | اشکال چهارم |
| ۶۵ | پاسخ |
| ۶۷ | اشکال پنجم |
| ۶۷ | پاسخ |
| ۶۸ | اشکال ششم |
| ۶۸ | پاسخ |
| ۶۹ | تألیفات درباره برپایی مراسم |
| ۷۱ | عزاداری از دیدگاه عقل |
| ۷۱ | توضیح |
| ۷۱ | ۱ - عزاداری و احیای فرهنگ عاشورا |
| ۷۲ | برخی از شعرهای حسینی |
| ۷۳ | ۲ - ارتباط عاطفی امت با اولیای الهی |
| ۷۴ | ۳ - بهره برداری از جو معنوی مجالس |
| ۷۵ | ۴ - اصلاح و ارشاد جامعه |
| ۷۵ | اشاره |
| ۷۷ | عزاداری از مظاهر حبّ و بغض |

| | |
|-----|---------------------------------------|
| ۷۷ | کسانی که محبت آن‌ها واجب است |
| ۷۷ | توضیح |
| ۷۷ | ۱ - خداوند |
| ۷۸ | ۲ - رسول خدا صلی الله علیه وآله |
| ۷۸ | ۳ - آل بیت پیامبر علیهم السلام |
| ۷۹ | اهل بیت کیانند؟ |
| ۸۱ | دوستی اهل بیت در قرآن کریم |
| ۸۲ | دوستی اهل بیت علیهم السلام در روایات |
| ۸۶ | ادله خاص |
| ۸۸ | جلوه های حبّ در زندگی انسان |
| ۹۱ | روان شناسی عزاداری |
| ۹۱ | اشاره |
| ۹۱ | مراتب گریه |
| ۹۱ | توضیح |
| ۹۲ | ۱ - گریه ناشی از ارتباط و علاقه |
| ۹۲ | ۲ - گریه ناشی از عقیده |
| ۹۳ | ۳ - گریه ناشی از کمال خواهی |
| ۹۳ | ۴ - گریه بر مظلوم |
| ۹۳ | مراسم عزاداری و افسردگی |
| ۹۹ | حکم حضور در عزای اولیای الهی |
| ۹۹ | اشاره |
| ۱۰۱ | برپایی عزاداری در راستای وحدت |
| ۱۰۳ | سینه زنی در سوگ امام حسین علیه السلام |
| ۱۰۳ | توضیح |
| ۱۰۳ | الف - روایات شیعه |
| ۱۰۶ | ب - روایات اهل سنت |

- ۱۰۸ بررسی ادله مخالفین
- ۱۰۸ اشاره
- ۱۰۸ الف - روایات عامه
- ۱۰۹ پاسخ
- ۱۱۰ ب - روایات اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۱ پاسخ
- ۱۱۵ لباس مشکی پوشیدن
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۶ الف - روایات شیعه
- ۱۱۶ ب - روایات عامه
- ۱۱۹ فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
- ۱۲۶ سلسله کتاب های پیرامون وهابیت
- ۱۲۷ درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: برپایی مراسم جشن و عزا / تالیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۰۷ ص.

فروست: سلسله مباحث و هایت.

شابک: ۴۵۰۰ ریال؛ ۱۰۰۰۰ ریال چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۴۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۸.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: وهابیه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع: شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع: سوگواری ها

موضوع: شعایر و مراسم مذهبی

موضوع: جشن ها

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۵/۲۱۲BP/ر۵۷۷ ۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷

شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۲۵۶۳۳

ص: ۱

اشاره

ترویج فرهنگ ناب محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در طول تاریخ دچار کج اندیشی ها و نابخردی هایی بوده است که نمونه بارز آن را در اندیشه وهابیت و سلفی گری می توان نظارگر بود، تفکری که همه مسلمانان جهان را از دین اسلام خارج و فقط خود را مسلمان می دانند. عده ای اندک که با کج اندیشی، مسلمانان جهان و دیگر ادیان را دچار مشکل کرده و چهره ای خشن و کریه از دین رحمت ارائه نموده اند. معمار این اندیشه ابن تیمیه از مخالفان فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد که تفکر او از قرن هفتم تا قرن سیزدهم به فراموشی سپرده شده و مورد مخالفت اندیشمندان مذاهب اسلامی قرار گرفت ولی کمتر از یک قرن است که این تفکر انحرافی دوباره در جامعه اسلامی توسط افرادی معلوم الحال مطرح می گردد. جا دارد متفکرین اسلامی، جریان های فکری منحرف را به مسلمانان جهان معرفی کرده و محور وحدت اسلامی که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است را تبیین نمایند، محوری که براساس محبت و پیروی از اهل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استوار است و از فحاشی و ضرب و شتم و ترور و بمب گذاری به دور است و هیچ سنخیتی با آن ندارد. گفت و گو در

محافل علمی و معرفی اندیشه ناب، نیاز به آن حرکات انحرافی ندارد، و چنانچه آنان در گفتار صادقند، میدان علم و اندیشه مهیا است.

تهاجم استکبار جهانی و صهیونیست ها به تفکر اصیل اسلامی از زمانی آغاز و سرعت گرفت که انقلاب شکوه مند اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در کشور اسلامی ایران به ثمر نشست و توسط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلله هدایت گردید.

از کلیه عزیزانی که ما را در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یاری می نمایند به ویژه تولیت محترم مسجد مقدس جمکران حضرت آیت الله وافی و همکاران در مجموعه انتشارات و مؤلف محترم جناب استاد علی اصغر رضوانی کمال تشکر و قدردانی را داریم امید است مورد رضای حضرت حق قرار گیرد. ان شاء الله.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

از دستورات اکید شرع مقدس اسلام برپایی شعائر دینی است. امری که تعظیم آن از تقوای قلب شمرده شده است. در اصل این حکم هیچ اختلافی وجود ندارد، ولی اختلاف در آن است که آیا تطبیق این حکم بر مصادیق آن به شرع واگذار شده است یا آن که این تطبیق می تواند به واسطه عرف متشرعه و عقلا باشد. در این مبحث به این موضوع می پردازیم.

مفهوم شعائر

۱ - خلیل بن احمد فراهیدی می گوید: «شعرته»؛ یعنی تعقل کردم و آن را فهمیدم...» (۱).

۲ - جوهری می گوید: «شعائر، اعمال حج است، و هر چه که عَلم برای اطاعت خداوند متعال باشد جزء شعائر است... و شعار قوم در جنگ، علامت آنان است تا برخی، برخی دیگر را بشناسند... «واشعرته فشرع» یعنی فهماندم او را، او نیز فهمید» (۲).

ص: ۱۱

۱- ۱. کتاب العین ج ۱ ص ۲۵۱

۲- ۲. صحاح اللغه، ج ۲، ص ۶۹۹.

۳- فیروزآبادی می گوید: «اشعره الأمر» یعنی امر را به او اعلام کرد... و شعار حج عبارت است از مناسک و علامات حج...» (۱).

۴- ابن فارس می گوید: «اشعار به معنای اعلام از طریق حس است. و مشاعر به معنای معالم و مفرد آن مشعر است، به معنای مواضعی که توسط علاماتی معلوم شده است.» (۲).

۵- قرطبی می گوید: «هر چیزی که برای خداوند متعال است و در آن امری است که نشانگر اعلام و اشعار می باشد به آن شعار یا شعائر می گویند. و شعار یعنی علامت و «اشعرت» یعنی اعلام کردم، و «شعیره» به معنای علامت و شعائر خدا به معنای علم های دین خداست.» (۳).

از مجموع این توضیحات استفاده می شود که لفظ «شعائر» هم در موارد اعلام حسّی به کار می رود که در آن جنبه اعلامی است، و هم مطابق استعمال قرآنی در جنبه اعلام دینی و نشر دین و گسترش نور خداوند به کار می رود.

در این کلمه جنبه دیگری نیز وجود دارد که همان بُعد إعلاء و سرافرازی است. این بُعد گرچه در ماهیت کلمه (شعائر) یافت نمی شود، ولی در ماهیت متعلق شعائر وجود دارد.

نتیجه این که: شعائر همان نُسک و اعمال حج من حیث هو نیست، آری نُسک و اعمال حج را مشاعر گویند زیرا در آن ها جنبه اعلامی وجود

ص: ۱۲

۱-۳. قاموس المحيط، ج ۲، ص ۶۰.

۲-۴. معجم مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

۳-۵. تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۵۶.

دارد. و به تعبیر دیگر شعائر، دین خدا نیستند، بلکه شعائر اشاره به جنبه اعلاء دین خدا دارد.

تنوع شعائر

شعائر دینی که مورد اعتراض برخی از فرقه های اسلامی قرار گرفته است، دارای انواع گوناگون و مختلفی است:

۱ - برپایی یادبود و جشن های میلاد بزرگان دین، همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان از اهل بیت علیهم السلام امری که وهابیان آن را از امور مستحدثه برشمرده و حکم به بدعت و ضلالت آن نموده اند.

۲ - اهتمام به روزهایی که در اسلام به یادماندنی بوده و در آن حوادث مهمی اتفاق افتاده است، مثل: روز مبعث، جنگ بدر، جنگ خندق، روز فتح مکه، شب معراج، شب هجرت، روز مباحله و روز غدیر و... .

۳ - درجه ای بالاتر از این موارد، به این که قبور اولیای دین را آباد کرده، بر روی آن ها گنبد و مناره بنا کنیم، تا در حقیقت اعلان و اشعاری بر وجود امام و رهبری الهی و دعوت به اقتدا به کیش و آیین ایشان باشد.

۴ - اهتمام به مکان های جغرافیایی، مکان هایی که در آنجا وقایع مهمی اتفاق افتاده است؛ مثل محل غدیر خم، غار حراء، موضع غزوه بدر و مساجدی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن ها نماز به جا آورده است. به این که در آن مکان ها حاضر شده، از آن ها تبرک جوئیم.

۵- برپایی شعائر حسینی علیه السلام و اقامه مجالس عزا و روضه خوانی در یادبود اولیای الهی و ذکر مصایب آنان.

۶- خواندن دعاها و وردهای دسته جمعی و به صورت مشترک، به نیت برپایی شعائر دینی.

بررسی ادله رجحان

توضیح

کسانی که قائل به جواز و رجحان برپایی شعائر دینی هستند، به انواعی از ادله تمسک کرده اند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف - آیات شعائر

در آیات بسیاری سخن از شعائر الهی به میان آمده است، از قبیل:

۱- « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَيْدَىٰ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ »؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی [و مراسم حج را محترم شمرد؛ و مخالفت با آن ها] را حلال ندانید؛ و نه ماه حرام، و نه قربانی های بی نشان و نشاندار را، و نه آن ها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند.»

در این آیه دو احتمال داده شده است: یکی آن که حکم ایجابی باشد و در حقیقت خداوند مؤمنین را امر به تعظیم شعائر الهی نموده است.

ص: ۱۴

۱-۶. سوره مائده، آیه ۲.

و دیگر این که حکم تحریمی باشد؛ یعنی در صدد نهی از سستی کردن در برپایی شعائر الهی و مصادیقی که در این آیه ذکر شده باشد.

۲ - « ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ »؛^(۱) «این است [مناسک حج ؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.»

این آیه از واضح ترین آیات برای اثبات رجحان برپایی مراسم است، زیرا به طور صریح دلالت بر محبوبیت و رجحان تعظیم شعائر الهی به طور عموم دارد.

۳ - « وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ »؛^(۲) «و شترهای چاق و فربه را [در مراسم حج برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آن ها برای شما خیر و برکت است.»

در این آیه «من» تبعیضیه به کار رفته است که دلالت دارد بر این که شترهای قربانی در ایام حج نیز از جمله شعائر الهی به حساب می آید.

۴ - « إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا »؛^(۳) «صفا و مروه از شعائر [و نشانه های] خداست؛ بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ [و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز

ص: ۱۵

۱-۷. سوره حج، آیه ۳۲.

۲-۸. همان، آیه ۳۶.

۳-۹. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

اعمال بی رویه مشرکان، که بت هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی کاهد.]»

۵ - « فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؛ (۱) » و هنگامی که از عرفات کوچ کردید خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید.»

این آیه نیز درصدد بیان شعائر دینی با لفظ «مشعر» شده است.

ب - آیات مشابه

نوعی دیگر از آیات است که اشاره به شعائر دینی کرده ولی لفظی غیر از لفظ «شعائر» در آن به کار رفته است.

۱ - « وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبِيَّاسَ الْفَقِيرَ * ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ * ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ؛ (۲) » و مردم را دعوت عمومی به حج کن، تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند. تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه حیات بخش باشند]؛ و در ایام معینی نام خدا را، بر چارپایانی که به آنان داده است، [به هنگام قربانی کردن ببرند؛ پس از گوشت آن ها بخورید و بینوای فقیر را اطعام نمایید. سپس باید آلودگی هایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای

ص: ۱۶

۱- ۱۰. همان، آیه ۱۹۸.

۲- ۱۱. سوره حج، آیات ۲۷-۳۰.

خود وفا کنند، و بر گرد خانه گرامی کعبه طواف کنند. [مناسک حج این است؛ و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است.]»

علما و مفسرین ذیل آیه فوق را که اشاره به تعظیم حرمت های الهی شده، داخل در برپایی شعائر الهی کرده اند؛ زیرا مطابق قاعده همان گونه که می توان استدلال به ادله ای کرد که عنوان خاصی در آن وارد شده، همچنین می توان به عناوینی استدلال کرد که مشابه و مشترک با آن عنوان خاص می باشد، و این در صورتی است که حکم بر یک عنوان نوعی یا جنسی کلی وارد شده که دارای افراد گوناگون است، و گرنه منجر به قیاس باطل خواهد شد.

۲- «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ (۱) «آن ها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند.»

از آنجا که این آیه در سیاق آیات جهاد و دعوت به توحید و نشر و تبلیغ دین آمده، لذا مقصود از دین خدا که دشمنان اسلام در صدد خاموش کردن آن برآمده اند همان «شعائر» الهی است، که در آیه دیگر «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ» به آن اشاره شده است.

ص: ۱۷

۳- « فِی بُیُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ »؛ (۱) [این چراغ پرفروغ در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا رود] تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد] به خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود، و صبح و شام در آن ها تسبیح او می گویند...».

این آیه با ملاحظه آیات قبل آن که از جمله آیه «نور» است دلالت دارد که مقصود از « فِی بُیُوتٍ...» خانه هایی است که در آن ها نور خداست، و مراکزی است که مصدر و منبع پرتوافکنی نور دین و محلّ هدایت و شریعت است.

خداوند متعال اراده کرده که این خانه های نوری ترفیع و تکریم شود. و نیز سزاوار است که به طور مداوم محلّ ذکر خدا و عبادت و طاعت حضرت حق باشد.

از این آیه به خوبی استفاده می شود که خداوند اراده کرده تا هر محلی که متکفّل بیان احکام دین اسلام و تعالیم آسمانی است - که از آن به نور خدا تعبیر شده تعظیم و تکریم شود. و نیز استفاده می شود که «شعائر» اختصاص به بابی خاص ندارد، یعنی مختص به مناسک حجّ یا عبادات مخصوص نیست، بلکه هر چیزی که در آن، نشر احکام دین شامل می شود، و نیز هر موضوعی را که در آن بیان و تبلیغ معارف اسلامی است در بر می گیرد.

ص: ۱۸

۴- « وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ »؛ (۱) «و خداوند گفتار [و هدف کافران را پایین قرار داد] و آنان را با شکست مواجه ساخت و سخن خدا [و آیین او] بالا [و پیروز] است و خداوند عزیز و حکیم است.»

از این آیه استفاده می شود. هرچه که بازگشت آن به اعلاء کلمه الله و نابودی کلمه الکفر است از اهداف شرع و از مقاصد دین به حساب می آید.

۵- « وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا »؛ (۲) «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

در این آیه مبارکه به بُعد دیگری از حقیقت «شعائر» اشاره شده است، و آن جنبه ازدیاد سربلندی و عزت اسلام و مسلمین است. و بُعد دیگر آن، که قاعده شعائر دینی بر آن دلالت دارد جنبه اعلائی کلمه الله و اعزاز کلمه مسلمین است.

واگذاری تطبیق به عرف

شارع مقدس هنگامی که در وجود معنای معینی تصرف نمی کند، معنای آن این است که شارع، تطبیق موضوعات و مصادیق آن را به عهده عرف و عقلاً و متشرعه سپرده است. عرف و عقلاً و متشرعه را اجازه داده تا هر مصداق از آن معنا را می توانند در خارج پیاده کنند.

ص: ۱۹

۱- ۱۴. سوره توبه، آیه ۴۰.

۲- ۱۵. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

عنوان «شعائر دینی» نیز که شارع مقدّس ترغیب به تعظیم آن نموده است، از همین قرار است. برای روشن شدن بیشتر موضوع به سه نکته اشاره می‌کنیم:

الف - عناوینی که در لسان شرع وارد شده و دلیلی بر نقل آن از معنای لغوی به معنای جدید نیست، باید آن عناوین را بر معنای لغوی اوّلی خود باقی گذاشت.

ب - در مورد کیفیت موضوعات در خارج، اگر شارع تصرفی کرده و به کیفیتی خاص تصریح نموده است آن را اخذ می‌کنیم و گرنه همان معنای عرفی آن را اخذ می‌نماییم.

ج - وجود اشیا بر دو نحو است: یکی وجود تکوینی و دیگری وجود اعتباری. مثلاً عناوین اغلب معاملات از قبیل بیع، اجاره و... وجودشان اعتباری است.

در مورد کلمه «شعائر» که به خدا یا دین اسلام اضافه می‌شود نیز مطلب از این قرار است؛ زیرا معنای حقیقی و اصلی که در کلمه «شعائر» اخذ شده همان اعلام و انتشار است. و از آنجا که شارع مصداق خاصی برای آن به طور خصوص تعیین نکرده است لذا آن را در زمینه اوّل و دوّم به حال خود باقی می‌گذاریم، یعنی بر معنای عرفی باقی نموده و درباره کیفیت وجود آن در خارج به عرف متشرعه واگذار می‌کنیم.

از طرفی دیگر، از آنجا که «شعائر دینی» علامت و نشانه‌ای بر امور دیگر است - گرچه فی حدّ نفسه از امور تکوینی به حساب می‌آیند لذا

دلالت آن ها بر معانی اعلامی، اعتباری است نه تکوینی.

در نتیجه: این امر اعتباری که شارع در بیان مصداق آن در خارج دخالتی نکرده به عرف متشرعه واگذار شده است.

خلاصه این که: هر موردی را که شارع مقدّس به عنوان شعائر دینی معین کرده است آن را اخذ کرده و آن را یکی از مصادیق شعائر دینی می‌پنداریم. ولی به مرور زمان مصادیقی پیدا می‌شود که عرف متشرعه و عقلا آن را از مصادیق حتمی شعائر دینی به حساب می‌آورند، و در عمل به آن هیچ محذوری نمی‌بینند، آن ها نیز به طور قطع داخل در عموم ادله تعظیم شعائر الهی خواهد بود.

پاسخ به شبهات

اشاره

در رابطه با برپایی مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام از ناحیه مخالفین؛ همانند وهابیان شبهات و اشکالاتی وارد شده است که در این مبحث به آن ها می‌پردازیم:

۱ - ضرورت جعل از جانب شارع!!

می‌گویند: هر شعاری که قرار است از جانب دین برپا شود باید از جانب شارع جعل و تشریح شده باشد و گرنه بدعت و ضلالت و افتراء بر خداوند است.

پاسخ

با توضیحاتی که قبلاً به آن ها اشاره شد دیگر جایی برای این

اشکال باقی نمی ماند، زیرا:

اولاً: جعل و تشریح شارع بر دو نوع است: جعل خاص و جعل عام، به جعل خاص تمسک کرده و در موارد جعل عام و کلی هر مصداقی را که شارع مشخص کرده، به آن اخذ می کنیم و در مواردی که شارع از آن ها اسمی نبرده، ولی عرف متشرعه آن را پذیرفته است به آن ها نیز عمل می نماییم.

ثانیاً: در علم اصول اشاره شده که شارع اگر امر به فعل کلی کند، مثل امر به نماز، و در به جا آوردن آن قیدی نیاورد، انسان مخیر است که مصداق آن را به هر نحوی که مانع شرعی ندارد انجام دهد. مثلاً نماز را در هر زمان و مکانی که محظور شرعی ندارد انجام دهد. در مورد تعظیم شعائر دینی نیز حکم از این قرار است.

۲- لزوم تفویض شریعت

می گویند: اگر شارع مقدس امر شعائر را به عرف متشرعه واگذار کرده، در نتیجه لازم می آید که امر شریعت به آنان تفویض شده باشد، و این نوع تفویض باطل است.

پاسخ

تطبیق کلی بر مصداق جدید آن، تفویض در دین به حساب نمی آید. وقتی تفویض صدق می کند که اصل حکم کلی نیز از ناحیه عرف به دست آمده و به او تفویض شده باشد.

به بیانی دیگر: عناوین ثانوی بر دو قسمند:

ص: ۲۲

الف - عناوین ثانوی در ناحیه حکم: که ملاکشان ثانوی است و لذا حکمشان نیز ثانوی است، از قبیل عنوان ضرر، حرج، نسیان، اکراه، اضطرار و... .

ب - عناوین ثانوی در ناحیه موضوع: که عبارت است از حالاتی که بر موضوع عارض می شود نه بر حکم. این حالات عارضی ملاکشان ثانوی نیست بلکه ملاک و حکم آن ها اولی است، و تنها موضوعش ثانوی است. از قبیل: مصادیق احترام به پدر و مادر و میهمان که ملاک و حکم آن ها اولی است، ولی موضوع آن ها ثانوی است، یعنی بر موضوع حکم حالت های گوناگون عارض می شود. در این مورد خاص می گوئیم: احترام، حکم اولی است که عقل و شرع بر آن حاکم است، ولی مصادیق جدید و حادث از احترام که در بین مردم مرسوم است، حالات جدیدی است که در موضوع حکم پدید می آید که امر آن به عرف واگذار شده، مادامی که منع شرعی خاص بر آن مترتب نشود.

۳ - لزوم تحلیل حرام و تحریم حلال!!

می گویند: اگر شارع مقدس امر شعائر و رسوم دینی را به عرف واگذار کند منجر به تحلیل حرام و تحریم حلال خواهد شد؛ زیرا عرف به جهت آن که معصوم نیست گاهی چیزی را که حرام است حلال دانسته و گاهی بالعکس کاری را که حلال است حرام می پندارد.

پاسخ

تحلیل حرام و تحریم حلال اگر به این معنا است که مکلف

و متشرعه انجام کاری را بدون هیچ دلیل و مدرکی حلال و مصداقی را نیز حرام کند، این کار منجر به تحریم حلال و تحلیل حرام می شود، و در این صورت اعتراض فوق وارد است، ولی اگر این عمل با استناد به دلیل شرعی ولو عام باشد هیچ اشکالی بر آن مترتب نیست، زیرا محلّل و محرّم مدرک و دلیل شرعی است، و کار انسان مکلف تطبیق بر مصداق است.

۴ - بازی با مسلمات شریعت!!

و نیز می گویند: اگر جعل شعائر و برپایی آن ها به عرف واگذار شود منجر به عبث کاری و بازی با ثوابت شریعت می شود، زیرا موقعیت ها مختلف است.

پاسخ

در مورد این اشکال می گوییم: محذوری را که اشکال کننده از آن خوف دارد توسعه شریعت و گسترش آن است، این امری است که خود آیات قرآن به آن اشاره دارد.

خداوند متعال می فرماید: «... وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ»؛ «خداوند اراده کرده که نور خود و دین و شریعتش را گسترش داده و منتشر سازد.» و نیز می فرماید: «... وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا»؛ «خداوند اراده سرفرازی دین و آیین خود را نموده است.»، برپایی مصداق الهی از قبیل توسعه در اعلاء کلمه الله و تتمیم نور الهی است که خداوند به نحو کلی آن را اراده کرده است. و اگر مقصود از توسعه دین و شریعت تغییر و تحوّل حتّی در ثوابت آن دو است، این امر شکی در بطلانش نیست، ولی تطبیق عنوان کلی شعائر دینی بر

موضوعات جدید و مصادیق مختلف از قسم توسعه دین در ثوابت آن نیست.

۵ - تعمیم به تمام موارد

می گویند: اگر قرار باشد که برپایی شعائر به مردم واگذار شود چه فرقی بین ابواب و موارد مختلف است؟ چرا در ابواب دیگر؛ مثل نماز، روزه، حج، زکات، خمس و ابواب دیگر، عرف و متشرعه حق دخالت نداشته باشند و هر کس یا گروهی برای خود شرط و قیدی در آن ها نگذارند و آن حقیقت را باقیود و شرایط خاص به خود به عنوان شعار دینی معرفی کنند؟

پاسخ

فرق آن توقیفی بودن برخی امور است؛ یعنی باید بین حقیقت شرعیه و حقیقت لغوییه تفکیک کرد: در موردی که عنوان، حقیقت شرعی است قاعده توقیفی بودن امور به تمام معنا جاری می شود، به خلاف مواردی که شارع در عناوین و معانی آن ها تصرّفی نداشته و معنای لفظ را بر حقیقت لغوی آن باقی گذارده است، که در این موارد شارع مقدس هنگام تشریح و تقنین حکم، عنوان و معنا را بر اطلاق و کلیت خود باقی گذارده است. مثلاً در مورد امر شارع به نیکی به پدر و مادر، حقیقت شرعی از خود به جای نگذاشته است، و برای این تکلیف خصوصیات و جزئیات معین نکرده است، لذا آنچه بر انسان واجب است، انجام هر کاری است که عنوان نیکی به پدر و مادر صدق کند، زیرا شارع این عنوان را تحدید نکرده و بر معنای لغوی آن باقی گذارده است.

ص: ۲۵

بر خلاف آن مواردی که شارع از خود حقیقت شرعی به جای گذارده است؛ مانند نماز، حج، اعتکاف، روزه و دیگر موضوعات عبادی، که در این موارد ما نمی توانیم از پیش خود قیود و شرایطی را اضافه کنیم، بلکه در اجزا و شرایط تا روز قیامت باید تابع شرع باشیم، گرچه در خصوصاتی که از ماهیت عمل خارج است، خود را مختار می بینیم، مثل آن که نماز را در کدام مکان بخوانیم، مگر آن که منع شرعی خاص رسیده باشد که در اصول از آن به تخییر عقلی تعبیر می شود.

۶ - هتک حرمت مبانی اسلام و ارکان شریعت!!

می گویند: در صورتی که امر شرایع دین به مردم واگذار شود، باعث هتک حرمت و اسائه ادب به مبانی اسلام و ارکان شریعت خواهد شد که این کار با مضامین شامخ و تعالیم عالی اسلام سازگاری ندارد.

پاسخ

هتک در لغت به معنای پاره کردن ستر و امر پوشیده را گویند.^(۱) و در مورد دین مقصود به آن کشف نقاط ضعف مسلمین است.

در مورد اشکال فوق می گوئیم: واگذاری شریعت در امور و تکالیف توقیفی به مردم موجب هتک حرمت دین و شریعت و استهزاء و اسائه ادب به مبانی اسلام و ارکان شریعت خواهد بود، ولی در عناوینی که حقیقت شرعی از ناحیه شارع ندارد، کار پیدا کردن مصداق و تطبیق آن عنوان کلی بر افراد خارجی به متشرعه و عرف مردم واگذار شده است.

ص: ۲۶

۷ - ضرری بودن برخی از شعائر!!

می گویند: اقامه برخی از شعائر منجر به ضرر بر اسلام یا مسلمین خواهد شد، خصوصاً شعائر حسینی علیه السلام که برپایی آن همراه با تحمّل ضررهای فراوانی است و مطابق دستورات شرع مقدس دفع ضرر به هر درجه ای که باشد واجب است.

پاسخ

در مورد شعائر دینی که عنوان کلی آن از عناوین توقیفی نیست بلکه از قبیل احترام به پدر و مادر غیر توقیفی است تا حدی بر مصادیق خارجی آن تطبیق می کنیم که منجر به حرمت نشود، زیرا ما به طور کلی ادعا نمی کنیم که هر عنوان غیر توقیفی را می توان در هر مصداقی پیاده کرد، بلکه تنها بر مصداقی می توان پیاده کرد که محقق عنوان کلی باشد.

و به تعبیر دیگر شارع، آن مصداق را به خصوصه تحریم نکرده باشد، بلکه تصریح به حرمت آن داشته یا داخل در اصاله الحلیه باشد و الا صرف اقامه عزا و بیان احکام و معارف اسلامی چه ضرری به اسلام می رساند؟

۸ - به استهزا کشانده شدن شریعت!!

برخی می گویند: تفویض مصادیق شریعت به دست عرف به این منجر می شود که مردم عناوین کلی را بر مصادیقی پیاده کنند که شریعت به استهزا کشیده شود. و از آنجا که حفظ کیان و آبروی شریعت واجب است، در نتیجه امر تطبیق شریعت را در تمام موارد باید به دست خود شارع واگذار کرد.

استهزاء - چه از ناحیه فرقه های دیگر اسلامی یا از ملت ها و ادیان دیگر - بر چند قسم است:

۱ - استهزای باطل و غیر حق:

این نوع استهزا هیچ گونه تأثیری نداشته و مانعیتی ندارد، مثل این که مردم مذاهب یا ادیان دیگر اعمال عبادی ما را به استهزا بگیرند. این نوع استهزا کاشف از نقص و عیبی در مؤمنین یا در خود دین نیست.

۲ - استهزای عرفی:

این نوع استهزا نتیجه اختلاف عرف ها و محیطهاست. شعارهای هر قومی به جهت دلالت بر معنای بلندی وضع شده است، ولی ممکن است قومی دیگر از آن ها معنای دیگری را برداشت کنند، لکن این اختلاف برداشت باعث نمی شود که آن معانی را در قومی که اختراع کرده منع نماییم.

۳ - استهزای به جهات واقعی:

برخی از استهزاهای جهات واقعی دارند، و لذا موجب هتک حرمت و استهزای واقعی شریعت و دین است. و از آنجا که این دو عنوان از مصادیق و اصناف حسن و قبح عقلی است و عقل آن را درک می کند، لذا اگر در موردی تطبیق عنوان کلی بر مصداق خارجی منجر به استهزای واقعی شد ما هم آن را تحریم می کنیم.

یکی از اعمالی که مسلمین در طول تاریخ در موقعیت های خاص انجام می دهند برپایی مراسم جشن و شادی در روزها یا شب های خاصی است. این کار به دلیل اهمیت و مبارک بودن آن موقعیت انجام می شود؛ خواه ولادت امام باشد یا بعثت پیامبر و مانند آن.

مسلمین به جهت استفاده معنوی در آن اوقات مقدس و کسب فیض از معصومین در چنین مجالسی شرکت کرده و با بزرگداشت آن به برکات عظیمی دست می یابند، ولی متأسفانه وهابیان در طول تاریخ علاوه بر این که از چنین برکاتی استفاده نمی کنند، دیگران را نیز در برپایی چنین مجالسی منع کرده و از این طریق خواست دشمنان اسلام را جامه عمل می پوشانند؛ زیرا دشمن هرگز نمی خواهد مسلمانان با مقدساتشان تجدید عهد نمایند. به خاطر اهمیت موضوع، آن را در اینجا بررسی می کنیم.

فتاوی وهابیان

۱ - ابن تیمیه می گوید: «... نوع دوم از ایام، روزهایی است که در آن

اتفاقی افتاده است؛ همانند هجدهم ذی حجه و این که برخی آن روز را عید می گیرند اصل و اساسی ندارد؛ زیرا پیشینیان و نیز اهل بیت و دیگران آن روز را عید نگرفتند و اعیاد، شریعتی از شرایع است که در آن باید از دستور متابعت نمود، نه آن که بدعت گذاری کرد، این عمل همانند اعمال نصارا است که حوادث حضرت عیسی علیه السلام را عید می گیرند» (۱).

۲ - شیخ عبدالعزیز بن باز می گوید: «جایز نیست برای پیامبر و غیر پیامبر مراسمی برپا شود و این عمل از بدعت های در دین است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین و دیگران از صحابه و تابعین، این چنین عملی انجام نداده اند» (۲).

۳ - شورای دائمی فتوای وهابیان می گویند: «جایز نیست در سوگ انبیا و صالحین و نیز زنده کردن یاد آنان در روز تولدشان و برداشتن علم، چراغانی و شمع نصب کردن بر قبورشان مراسمی برگزار شود؛ زیرا تمام این امور از بدعت هایی است که در دین وارد شده و از موارد شرک است و پیامبر صلی الله علیه و آله و انبیا و صالحین گذشته این چنین نکرده اند. صحابه و هیچ یک از امامان مسلمین هم در طول سه قرن که بهترین قرن هاست چنین نکردند» (۳).

ص: ۳۰

۱- ۱۷. اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۹۳ - ۲۹۵.

۲- ۱۸. مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳- ۱۹. اللجنة الدائمة من الفتوی، رقم ۱۷۷۴.

۴ - ابن فوزان می گوید: «بدعت های این عصر زیاد است؛ از جمله برپایی جشن به مناسبت ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه ربیع الاول می باشد».(۱)

۵ - ابن عثیمین می گوید: «برپایی مراسم جشن تولد برای فرزند که در آن تشبّه به دشمنان خداست، از عادت مسلمین نبوده؛ بلکه از دیگران به ارث رسیده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به قومی شبیه شود از زمره آن قوم به حساب می آید».(۲)

برپایی جشن، مظهر حبّ و بغض

اشاره

حبّ و بغض دو امری است که بر نهاد انسان عارض شده و از آن دو به میل و عدم میل نفس انسان تعبیر می کنند.

وجوب محبت

توضیح

از ادله عقلی و نقلی استفاده می شود که محبت به برخی افراد بر انسان واجب است؛ از جمله:

۱ - خداوند

خداوند متعال در رأس کسانی است که محبت به او اصالتاً واجب است، آن هم به جهت دارا بودن جمیع صفات کمال و جمال و وابستگی همه موجودات به او. لذا خداوند می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ

ص: ۳۱

۱- ۲۰. البدعه، ابن فوزان، ص ۲۵ و ۲۷.

۲- ۲۱. فتاوی منار الاسلام، ج ۱، ص ۴۳.

وَإِخْوَانِكُمْ وَأَزْوَاجِكُمْ وَعَشِيرَتِكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»؛ (۱) «[ای رسول بگو ای مردم اگر شما پدران، پسران، برادران، زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع کرده و مال التجاره ای که از کساد شدن آن بیمناکید و منازلی که به آن دل خوش داشته اید را بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذ خدا جاری گردد و خداوند، فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.»

۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله

از جمله کسانی که باید به خاطر خدا دوست بداریم، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است؛ زیرا او واسطه فیض تشریح و تکوین است. لذا در آیه فوق در کنار نام خداوند از او هم یاد شده و به محبت او امر شده است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «أَحِبُّوا اللَّهَ لَمَا يَغْذُوكُمْ وَأَحِبُّونِي بِحَبِّ اللَّهِ»؛ (۲) «خداوند را از آن جهت دوست بدارید که به شما روزی می دهد و مرا به خاطر خدا دوست بدارید.»

مناقب و فضایل و کمالات آن حضرت نیز از جمله عواملی است که انسان را به سوی آن حضرت جذب کرده و محبتش را در دل ایجاد می کند.

ص: ۳۲

۱- ۲۲. سوره توبه، آیه ۲۴.

۲- ۲۳. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹.

از جمله کسانی که محبت به آن‌ها واجب است، اهل بیت رسول خدا علیهم السلام است؛ زیرا با قطع نظر از آن که آنان مجمع فضایل و کمالات بوده و واسطه فیض تکوین و تشریح الهی اند، پیامبر صلی الله علیه و آله به محبت ورزیدن به آنان امر نموده است؛ مثلاً در همان حدیث فوق پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَأَحَبُّوْا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي»؛ «و اهل بیتم را به خاطر من دوست بدارید.»

عوامل لزوم حب آل رسول علیهم السلام

از آنجا که محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است، محبت به آل رسول نیز به جهت زیر واجب و لازم است:

۱ - انتساب آنان به صاحب رسالت. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «كل سبب ونسب منقطع يوم القيامة إلّا سببی ونسبی»؛^(۱) «هر سبب و نسبی در روز قیامت منقطع است مگر سبب و نسب من.»

۲ - اهل بیت، محبوب خدا و رسولند؛ همان گونه که در حدیث «رایه» و حدیث «طیر» به آن‌ها اشاره شده است.

۳ - حب اهل بیت علیهم السلام اجر و مزد رسالت محمدی است؛ همان طور که خداوند متعال می فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».^(۲)

ص: ۳۳

۱- ۲۴. المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۲۹.

۲- ۲۵. سوره شوری، آیه ۲۳.

۴ - روز قیامت از محبت آل رسول سؤال می شود: « وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ » (۱) سبط بن الجوزی از مجاهد چنین نقل می کند: روز قیامت از محبت علی علیه السلام سؤال می شود. (۲)

۵ - معصومین علیهم السلام عدل کتاب الهی اند؛ همان طور که پیامبر صلی الله علیه وآله در حدیث «ثقلین» به آن اشاره فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي».

۶ - محبت به اهل بیت علیهم السلام شرط ایمان است؛ زیرا در احادیث صحیح از طریق شیعه و سنی وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «لَا يَحْتَبِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغُضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ»؛ (۳) «ای علی! دوست ندارد تو را مگر مؤمن و دشمن ندارد تو را مگر منافق».

۷ - اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات امتند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجي، ومن تخلف عنها زخ في النار»؛ (۴) «مثل اهل بیتم در میان شما همانند کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شد، نجات یافته و هر کس از آن تخلف کرد، غرق شده است».

۸ - حبّ اهل بیت علیهم السلام، شرط قبولی اعمال و عبادات است؛ زیرا

ص: ۳۴

۱- ۲۶. سوره صافات، آیه ۲۴.

۲- ۲۷. تذکره الخواص، ص ۱۰.

۳- ۲۸. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۲۰ ح ۱۳۱، کتاب الایمان، صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۰۱ ح ۳۷۳۶، مسند احمد ج ۱، ص ۱۳۵ ح ۶۴۳، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲ ح ۱۱۴.

۴- ۲۹. نهاییه ابن اثیر، ماده زخ.

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «اگر امت من آن قدر روزه بدارند که کمرشان مانند کمان خم شده و دل ها فرو رود و آن قدر نماز بدارند به حدی که مانند تارها گردند، ولی تو را دشمن بدارند، خداوند آنان را به رو در آتش جهنم می اندازد».^(۱)

۹- اهل بیت علیهم السلام امان اهل زمینند؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «النجوم أمان لأهل السماء وأهل بیته أمان لأمتی من الأختلاف، فإذا خالفتها قبيلة من العرب إختلفوا فصاروا حزب إبليس»؛^(۲) «ستارگان امان برای اهالی آسمانند و اهل بیت من امان برای امت من از اختلاف می باشند. پس هر گاه قبیله ای از عرب با اهل بیت مخالفت کنند بین خودشان اختلاف می افتد و در نتیجه از حزب ابلیس می گردند.»

این نکته قابل توجه است که محبت به مثابه نیرو محرکه ای است که قوای انسان را تحریک کرده تا به سوی محبوب و اقتدای به او پرکشد.

در جمع بندی از این مطالب به این نتیجه می رسیم که برپایی مراسم، جلوه ای از جلوه های محبت نسبت به محبوب است؛ زیرا از طرفی می دانیم که مردم در درجات محبت مختلفند و از طرفی دیگر اثر محبت تنها اقبال نفس و تحریک نفسانی نیست، بلکه ظهور و بروز داشته و در رفتارهای خارجی هم مؤثر است. البته اثر بیرونی آن هم تنها اطاعت و انقیاد از محبوب نیست - همان گونه که برخی می گویند - بلکه آثار و جلوه های

ص: ۳۵

۱- ۳۰. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۱۴۳.

۲- ۳۱. مستدرک حاکم.

دیگری نیز دارد که اطلاق ادله لزوم محبت تمام آن ها را شامل می شود، مگر آن که با ادله دیگر معارضه داشته باشد؛ مثل قتل نفس در محبت محبوب.

جلوه های حب در زندگی انسان عبارتند از:

۱ - اطاعت و انقیاد؛

۲ - زیارت محبوب؛

۳ - تکریم و تعظیم محبوب؛

۴ - برآوردن حاجات محبوب؛

۵ - دفاع از محبوب؛

۶ - حزن و اندوه در فراق محبوب؛ همانند حزن یعقوب در فراق یوسف.

۷ - حفظ آثار محبوب؛

۸ - احترام به فرزندان و نسل او؛

۹ - بوسیدن آنچه به او مرتبط است؛

۱۰ - برپایی مراسم جشن و مولودی خوانی در میلاد محبوب.

برپایی مراسم از دیدگاه قرآن

اشاره

با مراجعه به قرآن پی می بریم که برپایی مراسم و یادبود، از مسائلی است که اصل آن را قرآن امضا، بلکه بدان ترغیب نموده است؛

۱ - از آیات مربوط به حج پی می بریم که بیشتر آن ها در حقیقت برپایی

ص: ۳۶

یادبود انبیا و اولیای الهی است، که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

الف) مقام ابراهیم علیه السلام

خداوند متعال می‌فرماید: « وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیًّا »؛ (۱) «مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خداوند قرار دهید.»

خداوند متعال امر می‌کند که مسلمین از جای پای حضرت ابراهیم تبرک‌جسته و آنجا را به عنوان مصلی انتخاب کنند تا یاد حضرت ابراهیم علیه السلام و بنای کعبه زنده بماند.

بخاری در صحیح خود نقل می‌کند که هنگام ساختن خانه خدا، اسماعیل سنگ می‌آورد و ابراهیم نیز خانه را بنا می‌نمود، تا آن که ساختمان بالا-رفت، سنگی را آوردند و ابراهیم بالای آن رفت و هر دو با این حالت ساختمان خانه خدا را به اتمام رساندند. (۲)

ب) صفا و مروه

خداوند متعال می‌فرماید: « إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا »؛ (۳) «صفا و مروه از شعائر دین خداست، پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جای آورد، پس باکی نیست که سعی صفا و مروه نیز به جای آورد.»

ص: ۳۷

۱- ۳۲. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- ۳۳. صحیح بخاری، کتاب الانبیاء، ج ۲، ص ۱۵۸.

۳- ۳۴. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

خداوند متعال سعی بین صفا و مروه را از مناسک حج قرار داد تا کوشش هاجر بین صفا و مروه در خاطره ها زنده بماند.

بخاری نقل می کند: ابراهیم هنگامی که هاجر و فرزندش اسماعیل را در سرزمین مکه رها نمود، آب تمام شد و عطش شدیدی بر هر دو غلبه نمود، فرزند از شدت عطش به خود می پیچید. هاجر به طرف کوه صفا رفت تا این وضعیت فرزند را نبیند و در ضمن سعی کند تا کسی را پیدا نموده و از او آب طلب نماید، ولی مایوس از کوه پایین آمد و با شتاب به طرف کوه مروه رفت، از کوه بالا رفت تا شاید شخصی را مشاهده نموده و از او آب طلب کند، ولی در این مکان نیز کسی را مشاهده نمود. این عمل هفت بار تکرار شد. ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: به این جهت است که حجاج هفت بار بین صفا و مروه طواف می نمایند. (۱)

ج) فدیه

خداوند متعال می فرماید: « فَبَشِّرْهُنَّاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ * فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقَتِ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ »؛ (۲)

ص: ۳۸

۱- ۳۵. صحیح بخاری، کتاب الانبیاء، ج ۲، ص ۱۵۸.

۲- ۳۶. سوره صافات، آیات ۱۰۱ - ۱۰۷.

«پس مژده پسر بردباری را به او دادیم. آن گاه [که آن پسر رشدی یافت با او به سعی و عمل شتافت. ابراهیم گفت: ای فرزند گرامی من! در عالم خواب چنین دیدم که تو را قربانی می کنم، نظرت در این واقعه چیست؟ گفت: ای پدر! هر چه مأموری انجام ده، که ان شاء الله مرا از صابرين خواهی یافت. پس چون هر دو تسليم امر حق گشتند، او را برای کشتن به روی افکند، ما در آن حال خطاب کردیم که ای ابراهیم! تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی، ما نیکوکاران را چنین نیکو پاداش می دهیم، این ابتلا همان امتحانی است که حقیقت حال ایمان را روشن می کند و ما ذبح بزرگی را فدای او ساختیم.»

خداوند متعال به پاس این فداکاری، حاجیان را امر نموده تا در منا به حضرت ابراهیم اقتدا کرده و به یادبود آن عمل عظیم و امتحان بزرگ، گوسفندی را در سرزمین منا قربانی نمایند.

(د) رمی جمرات

احمد بن حنبل و طیالسی در مسندهای خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می کنند: جبرئیل ابراهیم را به سوی جمره عقبه برد، در آن هنگام شیطان بر او نمایان گشت، ابراهیم هفت سنگ به او پرتاب نمود که صدای شیطان از آن بلند شد. سپس نزد جمره وسطی آمد، باز شیطان بر او ظاهر شد، در آن هنگام نیز هفت سنگ بر او پرتاب نمود که صدای او بلند شد. آن گاه به سوی جمره قصوی آمد، باز هم شیطان بر او ظاهر شد و حضرت

ابراهیم او را با هفت سنگ رمی نمود، به حدی که صدایش درآمد. (۱)

مشاهده می نماییم که چگونه خداوند متعال به خاطر یادبود این قضیه، آن عمل را برای حجاج واجب کرده تا یاد آن واقعه، زنده بماند.

۲ - خداوند متعال می فرماید: « وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ »؛ (۲) «و هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد، این صفت دل های با تقواست.»

کیفیت استدلال به این آیه شریفه آن است که شعائر، جمع شعیره به معنای نشانه است و شعائر خداوند به معنای نشانه های خداوند و دین اوست. لذا هر عملی که مردم را به سوی خدا و دینش رهنمون و یادآوری کند، جزء شعائر الهی است که یکی از آن ها برپایی مراسم جشن مولودی برای انبیا و اوصیا است که در آن وقت مردم با ذکر فضایل و کمالات آن ولی، به خداوند متعال نزدیک می شوند.

۳ - خداوند متعال می فرماید: « وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ »؛ (۳) «و یادآوری ده آنان را به روزهای خداوند.»

مقصود از ایام خدا، ایام غلبه حق بر باطل و ظهور حق است، که ایام ولادت ولی خدا نیز یکی از مصادیق آن است؛ زیرا در روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند متعال حق را (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) به دنیا آورد تا با او بر باطل غلبه کند.

ص: ۴۰

۱- ۳۷. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مسند طیالسی، ح ۲۶۹۷.

۲- ۳۸. سوره حج، آیه ۳۲.

۳- ۳۹. سوره ابراهیم، آیه ۵.

۴ - خداوند متعال می فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (۱) [ای رسول خدا به امت بگو: من از شما اجر رسالت جز این نمی خواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندانم منظور دارید.]

بنابر این با برپایی مراسم مولودی اهل بیت پیامبرعلیهم السلام و ذوی القربی و یادبود آن ها مقداری از اجر رسالت نبوی را ادا کرده ایم.

۵ - خداوند متعال می فرماید: «وَالضُّحَى * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى»؛ (۲) «قسم به شب تار هنگامی که جهان را در پرده سیاه بپوشاند.»

حلبی در «سیره حلبیه» می گوید: «خداوند متعال در این آیه به شب میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله قسم یاد کرده است. برخی گفته اند که مراد، شب اسراء است و مانعی ندارد که قسم به هر دو باشد.» (۳)

واضح است که قسم خوردن به چیزی، حکایت از اهمیت آن دارد. لذا با قسم، یاد آن را در ذهن مردم زنده کرده تا آن را مورد احترام قرار دهند.

۶ - خداوند متعال در تأیید یاری رسانان و تعظیم کنندگان پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۴) «پس آنان که به او گرویدند و حرمت و عزت او را نگاه داشتند و یاری اش کردند و از نوری که به او نازل شده پیروی کردند، آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.»

ص: ۴۱

۱- ۴۰. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- ۴۱. سوره ضحی، آیات ۱ و ۲.

۳- ۴۲. السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۵۸.

۴- ۴۳. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

خداوند متعال در این آیه شریفه، یاری کنندگان و تعظیم کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله را ستوده و به رستگاری بشارت داده است. حال آیا برپایی مراسم در روز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله یا مبعث او از مصادیق تکریم و تعظیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست؟

۷ - خداوند متعال در شأن پیامبر می فرماید: « وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ »؛ (۱) «نام تو را بلند کردیم.»

بنابر این برپایی مراسم، نوعی بالا- بردن سطح فکری مردم نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و شناساندن موقعیت پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم است.

اگر کسی اشکال کند که طبق مفاد آیه شریفه، نصرت و تکریم و تعظیم پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص به خداوند متعال دارد.

در جواب می گوییم: خداوند در جایی دیگر می فرماید: « وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصِيرًا عَزِيزًا ». (۲) آیا کسی در این مورد گمان می کند که نصرت پیامبر صلی الله علیه و آله مخصوص به خداوند است و ما در این باره هیچ تکلیف نداریم؟

۸ - همچنین خداوند می فرماید: « وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ »؛ (۳) «و ما این حکایات و اخبار انبیا را بر تو بیان می کنیم تا قلب تو را به آن قوی و استوار گردانیم.»

از این آیه به خوبی استفاده می شود که حکمت بیان سرگذشت انبیا

ص: ۴۲

۱- ۴۴. سوره انشراح، آیه ۷.

۲- ۴۵. سوره فتح، آیه ۳.

۳- ۴۶. سوره هود، آیه ۱۲۰.

برای پیامبر صلی الله علیه و آله تثبیت قلب ایشان است، تا در مشکلات ثابت قدم باشد. شکی نیست که مسلمانان در این برهه از زمان احتیاج بیشتری به تثبیت قلوب دارند. لذا جا دارد که به مناسبت های خاص؛ همانند روز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله یا مبعث، مردم را در محلی مقدّس جمع کرده و آنان را به فضیلت آن روز یا شب آگاه ساخته و با سیره و فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا سازیم تا قلوب مردم به دین الهی تقویت شود.

استاد عیسی بن عبدالله بن محمد بن مانع الحمیری - مدیر کل اداره اوقاف و شؤون اسلامی دُبی - در توضیح آیه فوق می گوید: «همان گونه که خداوند متعال قصه های انبیا را برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جهت تثبیت قلب او بیان نمود، ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مشتمل بر خبرهای پیامبر صلی الله علیه و آله است که با یادآوری آن ها، قلوب مؤمنین تثبیت خواهد شد. لذا این آیه دلالت دارد بر مطلوبیّت تکرار یادبود مولد پیامبر صلی الله علیه و آله و عنایت داشتن به آن».^(۱)

۹ - و نیز خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِأَذَلِكَ لَئِيْفَرْحُوا»؛^(۲) «بگو ای پیامبر در فضل و رحمت خداوند شادی نمایید.»

در جایی دیگر در شأن پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛^(۳) «ما تو را رحمتی برای همه عالمیان فرستادیم.»

سیوطی در «درّ المنثور» از ابن عباس درباره این آیه چنین نقل

ص: ۴۳

۱- ۴۷. بلوغ المأمول فی الاحتفاء و الاحتقال بمولد الرسول صلی الله علیه و آله.

۲- ۴۸. سوره یونس، آیه ۵۸.

۳- ۴۹. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

می کند: مقصود از فضل خدا علم، و مراد از رحمتش، وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است. (۱)

آلوسی نیز در ذیل آیه شریفه می گوید: یکی از صفات مشهور پیامبر صلی الله علیه وآله رحمت است. (۲)

با جمع بین این دو آیه به این نتیجه می رسیم که باید در روزهایی که متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است؛ مانند میلاد و مبعث آن حضرت، با برپایی مراسم جشن، شادی نماییم. البته می توان با همین ادله و ملاک ها حکم برپایی مجالس بزرگداشت را به سایر اولیای الهی نیز تعمیم داد. این نکته قابل تأمل است که شادی نباید از حدّ مشروع آن تجاوز کند.

برپایی مراسم از دیدگاه احادیث

با مراجعه به روایات نیز می توان به مشروعیت چنین مجالسی پی برد:

۱ - مسلم در صحیحش از ابی قتاده نقل می کند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سئلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ فَقَالَ: "ذَلِكَ يَوْمٌ وَلِدَتْ فِيهِ وَفِيهِ أَنْزَلَ عَلَيَّ"»؛ (۳) «همانا از رسول خدا صلی الله علیه وآله در مورد علت استجاب روزه روز دوشنبه سؤال شد؟ فرمود: بدان جهت است که من در آن روز متولد شده و در آن روز بر من قرآن نازل گشت.»

ص: ۴۴

۱- ۵۰. درّ المنثور، ج ۴، ص ۳۶۷.

۲- ۵۱. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۴۱.

۳- ۵۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۱۹.

۲ - مسلم همچنین از ابن عباس نقل می کند: «لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ وَجَدَ الْيَهُودَ يَصُومُونَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، فَسَأَلُوا عَنْ ذَلِكَ، فَقَالُوا: هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي أَظْفَرَ اللَّهُ مُوسَى وَبَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى فِرْعَوْنَ، وَنَحْنُ نَصُومُ تَعْظِيمًا لَهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: "نَحْنُ أَوْلَى بِمُوسَى". وَأَمْرٌ بِصَوْمِهِ»؛^(۱) «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله وارد مدینه شد مشاهده نمود که یهودیان روز عاشورا را روزه می گیرند، از علت آن سؤال نمود؟ گفتند: این روزی است که خداوند موسی و بنی اسرائیل را بر فرعون پیروز گردانید، لذا آن روز را تعظیم می دارند. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: ما سزاوارتر به این عمل هستیم. لذا دستور داد تا روز عاشورا را روزه بدارند.»

ابن حجر عسقلانی بنا بر نقل سیوطی بدین حدیث بر مشروعیت برپایی مراسم ولادت پیامبر صلی الله علیه وآله استدلال نموده است.^(۲)

۳ - حافظ بن ناصرالدین دمشقی می گوید: «قَدْ صَحَّ أَنَّ أَبَالَهَبَ يَخْفَفُ عَنْهُ الْعَذَابُ فِي مِثْلِ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ، لِإِعْتَاقِهِ ثَوْبِيهَ سُرُورًا بِمِيلَادِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...»؛^(۳) «به نقل صحیح وارد شده که در روز دوشنبه به ابولهب تخفیف عذاب داده می شود، به جهت آن که کنیزش ثویبه را در میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله از روی خوشنودی آزاد کرد.»

از این مورد به طریق اولویت استفاده می کنیم که برپایی مراسم در مولد پیامبر صلی الله علیه وآله و یادبود آن حضرت از طرف یک مؤمن ارزش عظیمی دارد.

ص: ۴۵

۱- ۵۳. صحیح مسلم، ح ۱۱۳۰؛ صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۱۵.

۲- ۵۴. الحاوی للفتاوی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- ۵۵. مورد الصادی فی مولد الهادی.

۴ - بیهقی از انس نقل می کند: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَقَّ عَنْ نَفْسِهِ بَعْدَ النَّبَوَّةِ، مَعَ إِنَّهُ قَدْ وَرَدَ إِنْ جَدَّهِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ عَقَّ عَنْهُ فِي سَابِعِ وِلَادَتِهِ»؛ (۱) «پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نبوتش از طرف خود گوسفندی را عقیه نمود، با آن که در روایات وارد شده که ابوطالب برای پیامبر در روز هفتم ولادتش گوسفندی را عقیه کرده بود.»

سیوطی می گوید: «عقیقه هیچ گاه دو بار تکرار نمی شود، لذا باید این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله را بر این حمل کنیم که پیامبر به جهت اظهار شکر از این که خداوند او را آفریده و رحمت برای عالمیان قرار داده است، عقیقه نمود؛ همان گونه که آن حضرت بر خود درود می فرستاد و به همین جهت مستحب است که ما هم به جهت شکرگزاری به درگاه الهی، در روز ولادتش اجتماع نموده و با اطعام دادن و امثال این امور که جنبه تقربّی دارد، شکر خدا را اظهار نماییم.» (۲)

۵ - ترمذی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که درباره فضیلت روز جمعه فرمود: «وفيه خلق آدم»؛ (۳) «در آن روز است که آدم خلق شد.»

از این حدیث استفاده می شود که برخی از ایام به جهت اتفاق خاص و مبارکی که در آن رخ داده، فضیلت دارد؛ چه رسد به روزی که در آن روز، میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد.

ص: ۴۶

۱- ۵۶. الحاوی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲- ۵۷. همان.

۳- ۵۸. صحیح ترمذی، ح ۴۹۱.

۶ - احمد بن حنبل و دیگران از اسود بن سریع نقل کرده اند که گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: «یا رسول الله! مدحت الله بمدحه ومدحتک بمدحه؟ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: هات وابدأ بمدحه الله»؛^(۱) «ای رسول خدا! من خدا را به گونه ای و شما را نیز به گونه ای دیگر مدح کرده ام. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بیاور و شروع به مدح خدا کن.»

پیامبر صلی الله علیه و آله نفرمود: مرا مدح نکن، ولی فرمود: مدح را از خدا شروع نما.

۷ - احمد و دیگران از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: «إِنَّ جِبْرَائِيلَ ذَهَبَ بِإِبْرَاهِيمَ إِلَى جَمْرَةِ الْعَقْبَةِ، فَعَرَضَ لَهُ الشَّيْطَانُ فَرَمَاهُ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ، فَسَاحَ. ثُمَّ أَتَى الْجَمْرَةَ الْوَسْطَى، فَعَرَضَ لَهُ الشَّيْطَانُ فَرَمَاهُ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ، فَسَاحَ...»؛^(۲) «جبرئیل ابراهیم را نزد جمره عقبه آورد که ناگهان شیطان بر او نمایان شد. حضرت او را هفت سنگ زد که شیطان به صدا درآمد. آن گاه ابراهیم علیه السلام را نزد جمره وسطی آورد، آنجا نیز شیطان خودش را نمایان ساخت. حضرت هفت سنگ به او پرتاب نمود. که شیطان به صدا درآمد. باز او را به نزد جمره قصوی برد که ناگهان شیطان بر او ظاهر گشت. حضرت با هفت سنگ او را نشانه گرفت، که شیطان به صدا درآمد...».

ص: ۴۷

۱- ۵۹. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۴؛ المصنّف، ابن ابی شیبّه، ج ۶، ص ۱۸۰؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۸۴۲.

۲- ۶۰. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مسند طيالسی، ح ۲۶۹۷.

عید میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله نزد اهل سنت

برخی از علمای اهل سنت برپایی مراسم جشن به مناسبت میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله را ستایش کرده و آن را از اعمال نیک و مستحب برشمرده اند که در ذیل به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - قسطلانی در «المواهب اللدنیه» می نویسد: «در طول تاریخ، مسلمانان در ماه میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله جشن برپا کرده و به مردم اطعام داده و به انواع صدقات، مستمندان را یاری می دهند و با اظهار سرور و توجه به قرائت مولودی آن حضرت به او اظهار ارادت می نمایند... خداوند رحمت کند کسانی را که به این عمل عظیم دست می زنند». (۱)

۲ - ابن عباد می گوید: «به نظر من مولود نبوی از اعیاد مسلمین است و هر کس در آن روز شادی و سرور نموده و با پوشیدن لباس فاخر و چراغانی، شادی خود را ابراز نماید، امری مباح انجام داده است». (۲)

۳ - سیوطی می گوید: «مولودی خوانی در ماه ربیع الاول مورد سؤال واقع شده که آیا از حیث شرع، امری پسندیده است یا مذموم؟ آیا کسی که انجام می دهد به او ثواب داده می شود یا خیر؟

جواب این است که اصل مولودی خوانی که عبارت است از اجتماع مردم و قرائت مقداری از قرآن و خواندن روایات در شأن پیامبر صلی الله علیه و آله و در پایان نیز

ص: ۴۸

۱- ۶۱. المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- ۶۲. القول الفصل فی حکم الاحتفال بمولد خیر الرسل، ص ۱۷۵.

ظرف های غذا آورده می شود و بین مردم توزیع می گردد، عملی است نیکو، که بانی و شرکت کننده آن مأجور بوده و به آنان ثواب داده می شود؛ زیرا با این عمل، قدر و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله تعظیم شده و در ولادت آن حضرت اظهار شادی می شود»^(۱).

۴ - شیخ عبدالله هروی معروف به «حبشی» می گوید: «برپایی مراسم و یادبود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کارهای نیکوست، و دلیلی بر انکار آن وجود ندارد، بلکه سزاوار است که آن را سنت حسنه بنامیم»^(۲).

۵ - دیار بکری می گوید: «همیشه در طول تاریخ، اهل اسلام در ماه ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله جشن برپا می کنند، و ولیمه آماده می سازند و در شب های این ماه به انواع صدقات تصدق می دهند، و اظهار سرور کرده و کارهای خیر را زیاد می کنند، و اعتنا و اهمیت به قرائت مولود شریف حضرت می دهند. و لذا از کرامات حضرت هر فضیلت عظیمی بر آنان ظاهر می گردد»^(۳).

۶ - ابوشامه مقدسی می گوید: «و از جمله کارهای خوبی که در زمان ما پیدا شده، عملی است که در روز موافق با روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله از قبیل صدقات و کارهای خیر به ظاهر کردن زینت و اظهار سرور، انجام می دهند. این کارها علاوه بر این که در آن احسان و نیکی به فقراست، شعار و اعلان محبت به ایشان نیز می باشد»^(۴).

ص: ۴۹

۱- ۶۳. الحاوی للفتاوی، ج ۱، ص ۱۸۹ و ۱۹۷.

۲- ۶۴. الروائح الزکیه، ص ۳۳.

۳- ۶۵. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۲۳.

۴- ۶۶. السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴.

۷- رفاعی می گوید: «ادله جواز احتفال و برپایی مراسم در میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله بسیار است؛ مهم ترین آن ها عبارت است از:

(الف) برپایی مراسم در میلاد شریف، تعبیری از شادی و سرور به مصطفی صلی الله علیه وآله است

(ب) خود حضرت، روز میلاد خود را بزرگ داشته و خدا را در آن روز بر نعمت بزرگش و تفضّلش به جهت به وجود آمدنش شکر کرده است...

(ج) شادی در میلاد حضرت به امر قرآن کریم مطلوب است؛ زیرا خداوند می فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا». خداوند ما را امر کرده که در رحمتش شادی کنیم، و پیامبر صلی الله علیه وآله بزرگ ترین رحمت خدا است. قرآن می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

(د) پیامبر صلی الله علیه وآله همیشه به حوادث دینی مهم که وقتش گذشته و منقضی شده بود، اهتمام می ورزید. و لذا هر گاه وقت آن می رسید، مناسب می دید تا یادی از آن روز کرده و با انجام طاعتی از طاعات، آن را تعظیم کند...

(ه) در وقت ولادت شریف حضرت صلی الله علیه وآله مناسبت و فرصتی است تا انسان درود و سلام بسیاری برای پیامبر صلی الله علیه وآله بفرستد. کاری که مطلوب خدا است؛ آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

(و) در وقت ولادت حضرت صلی الله علیه وآله انسان یادی از شمایل و معجزات و سیره ایشان می کند، امری که خداوند متعال ما را به شناخت آن سفارش کرده است، آنجا که می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن

كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ»؛ (۱) «به طور حتم برای شما در رسول خدا الگوی خوبی است، برای کسانی که امید رسیدن به خدا و روز قیامت داشته است.»

ز) برپایی مراسم فرصتی است برای ادای برخی از حقوق بزرگ آن حضرت که بر گردن ما است؛ زیرا خداوند متعال ما را به واسطه او هدایت کرده و از آتش دوزخ نجات داده و از تاریکی ها به نور هدایت کرده است... .

ح) پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت روز جمعه و مزایای آن فرمود: «در آن روز آدم متولد شد». از اینجا استفاده می شود، زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله متولد شده به طریق اولی شریف است... .

ط) علما و مسلمانان از گذشته و حال در تمام شهرها و مناطق، این عمل را حسن شمرده و آن را انجام داده اند؛ و لذا بدین جهت شرعاً مطلوب است؛ زیرا ابن مسعود نقل کرده: «ما رآه المسلمون حسناً فهو عند الله حسن، وما رآه المسلمون قبيحاً فهو عند الله قبيح»؛ «آنچه را مسلمانان حسن شمرده اند آن عمل نزد خداوند حسن است و آنچه را که مسلمانان قبیح شمرده اند آن عمل نزد خداوند نیز قبیح است.»

ی) مراسم جشن در حقیقت اجتماع به جهت زنده کردن یاد مصطفی صلی الله علیه و آله است، و این امری مشروع در اسلام است، همان گونه که اعمال حج، زنده کردن کارهای پسندیده است... .

ص: ۵۱

ك) خداوند تبارك و تعالی می فرماید: « وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ ». از این آیه استفاده می شود که حکمت در قصه گویی خبرهای رسولان بر پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت تثبیت قلب شریف حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. و شکی نیست که ما نیز امروز به این مسأله احتیاج داریم تا با قرائت سیره معطر و جهاد او و... قلوب خود را با ایمان به آن حضرت تثبیت نماییم. و برپایی مراسم نیز در راستای همین هدف است... .

ل) هر کاری را که پیشینیان انجام نداده اند و در صدر اول نبوده دلیل بر آن نیست که بدعت منکر و حرام است، بلکه لازم است که هر چه را حادث می شود بر ادله شرع عرضه نمود، آنچه را که مشتمل بر مصلحت است واجب می باشد... .

م) علما رحمهم الله حدیث «وكل بدعه ضلالة»؛ «و هر بدعتی ضلالت است.» را مقید به بدعت سیئه کرده اند. و دلیل بر این تقیید، چیزی است که از بزرگان صحابه و تابعین از امور حادث صادر شده که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است... .

ن) و نیز هر نوآوری، بدعت حرام نیست، و اگر چنین بود باید کار ابوبکر و عمر و زید بن ثابت هم حرام باشد که دستور دادند قرآن جمع و تدوین شود تا با مرگ صحابه قاری آیات خدا از بین نرود! و نیز جمع و تدوین حدیث شریف در کتب صحاح و سنن و دیگر مصادر، صحیح نباشد. و نی

ز نباید علم فقه و تجوید و توحید و دیگر علوم از علوم شرعی که بعد از عهد نبوی شریف، تصنیف و ابتکار شد تألیف گردد. و در آخر این که: تسامح دینی نشانه دین حنیف ما است که به آن امر شده ایم تا در حال صلح و جنگ، و هنگام مجادله و مناقشه و مخاطبه به آن رجوع نماییم» (۱).

فواید برپایی مراسم

برپایی مراسم و یادبود اولیای الهی آثار و برکاتی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - هر ساله مسلمانان در آن روز به یاد پیامبر صلی الله علیه وآله و اولیای الهی افتاده و محبتشان نسبت به ایشان زیادتیر می گردد.

۲ - برخی از کمالات و فضایل آن حضرات، تشریح و توضیح داده می شود و مردم نیز با تأسی به آنان، به خدا نزدیک تر می شوند.

۳ - با اظهار فرح و شادی، ایمان و ارادت خود را به پیامبر صلی الله علیه وآله و اولیای الهی ابراز داشته و آن را مستحکم می سازند.

۴ - در پایان مجلس با اطعام و پخش شیرینی به ثواب اطعام رسیده و گروهی از ضعفا از این مجالس بهره مادی نیز می برند.

۵ - در این مجالس یاد خدا زنده شده و مقدار زیادی از آیات قرآن تلاوت می شود.

ص: ۵۳

۶- فرصت مناسبی است که مردم بیشتر بر پیامبر خود درود بفرستند.

۷- همچنین موقعیت مناسبی برای دعوت مردم به خدا و دستورات او فراهم می گردد.

بررسی اشکالات وهابیان

اشاره

با وجود ادله فراوان از آیات، روایات و سیره مسلمین بر جواز، بلکه رجحان برپایی مراسم یادبود، باز هم وهابیان در مقابل عمل مسلمین ایستاده و با انواع ایرادات سست، مانع برپایی این عمل مقدس می شوند. اینک به ذکر برخی از ایرادات و پاسخ آن ها می پردازیم:

اشکال اول

برپایی مراسم و یادبود، نوعی عبادت غیر خدا است. (۱)

پاسخ

در جای خود اشاره شده است که عنصر مقوم عبادت، اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت کسی است که او را تعظیم می نماییم. لذا در صورتی که تکریم و تعظیمی از این عنصر خالی باشد، اصطلاحاً آن را عبادت نمی گویند.

اشکال دوم

برپایی چنین مراسمی، همراه با اموری است که غالباً حرام است؛ همانند اختلاط زنان با مردان، قرائت مدح با موسیقی و غنا. (۲)

پاسخ

عمل گناه در هر مکان و زمانی حرام است؛ خواه در این مراسم

ص: ۵۴

۱- ۶۹. فتح المجید بشرح عقیده التوحید، ص ۱۵۴ و ۱۵۵، در حاشیه.

۲- ۷۰. المدخل، ابن الحاج، ج ۲، ص ۲.

باشد یا غیر آن، ولی ما نمی توانیم عملی ممدوح و پسندیده را به جهت امور جانبی که گاهی اتفاق می افتد مانع شویم، بلکه باید از اعمال خلاف و حرام جلوگیری نمود. (۱)

اشکال سوم

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه های خود را قبر و قبر مرا عید قرار ندهید». (۲) ابن قیم به این حدیث بر حرمت برپایی مراسم استدلال کرده است. (۳)

پاسخ

اولاً: دلیل، اخصّ از مدّعا است؛ زیرا روایت تنها اشاره به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، نه مطلق مکان ها.

ثانیاً: جهت آن شاید این باشد که انسان باید در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله با خضوع و خشوع باشد و این مسئله با اظهار فرح و سرور در کنار قبر سازگاری ندارد، ولی منافاتی ندارد که در جایی دیگر انجام گیرد.

سبکی می گوید: محتمل است که معنای حدیث این باشد: قبر مرا مانند روزهای عید قرار ندهید، بلکه در کنار قبر من زیارت و سلام و دعا بخوانید. (۴)

اشکال چهارم

در برپایی مراسم و مولودی خوانی، تشبّه به نصارا است. (۵)

پاسخ

اولاً: تشبّه از عناوین قصدی است که در ترتّب حکم بر آن،

ص: ۵۵

۱- ۷۱. الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۱، ص ۱۹.

۲- ۷۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳- ۷۳. حاشیه عون المعبود، ج ۶، ص ۳۲.

۴- ۷۴. کشف الارتیاب، ص ۴۴۹.

۵- ۷۵. اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۹۴.

احتیاج به قصد دارد. حال سؤال می کنیم که آیا احدی از مسلمین در برپایی مراسم، قصد تشبّه به کفار و نصارا را دارد؟ قطعاً جواب منفی است.

بخاری در کتاب مغازی از صحیح خود در باب غزوه احد نقل می کند: ابوسفیان برای تحریک مشرکین صدا داد: «أعل هبل، أعل هبل»؛ «زنده باد بت هبل، زنده باد بت هبل» پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: شما نیز جواب او را بگویید. عرض کردند: چه بگوییم؟ فرمود: بگویید: «اللّه أعلى وأجلّ». ابوسفیان بار دیگر شعار دیگری را برای تحریک مشرکین به حمله سر داد: «نحن لنا العزى ولا-عزى لكم»؛ «برای ماست عزّی و شما عزّی ندارید». پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: شما نیز جواب او را بدهید. عرض کردند: چه بگوییم؟ فرمود: بگویید: «اللّه مولانا ولا مولی لكم»؛ (۱) «خدا مولای ماست و شما مولای ندارید».

آیا کسی مثل وهابیان می تواند به پیامبر صلی الله علیه وآله اعتراض نموده و بگوید: ای رسول خدا! این عمل تو تشبّه به کفار است و جایز نیست؟ مگر خداوند متعال در قرآن کریم نفرموده: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»؛ (۲) «بر شما روزه نوشته و حتمی شده؛ همان گونه که بر اقوام قبل از شما نیز نوشته شده بود.» پس مجرد تشابه یک عمل با کردار پیشینیان، دلیلی بر بطلان آن نیست.

ص: ۵۶

۱- ۷۶. صحیح بخاری، ح ۴۰۴۳؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۲۸.

۲- ۷۷. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

شیخ شلتوت در کتاب «الفتاوی» در جواب سؤال کسی که از او درباره کلاه هایی که از غرب وارد می شود سؤال نمود، می گوید: «صحیح نیست که بگوییم این کلاه ها زئی خاص غیرمسلمین و شعار غیراسلامی است، بلکه مسلمان و غیرمسلمان در آن مساوی است و آنچه که مسلمانان به سر می گذارند به قصد تشبیه به غیر مسلمین در خصوصیات دینشان نیست، بلکه به جهت جلوگیری از حرارت خورشید یا سرمای زمستان از آن استفاده می کنند. لذا مشکلی ندارد».^(۱)

ثانیاً: اساس جواز یک عمل، انطباق آن با کتاب و سنت است؛ خواه شبیه به عمل دیگران باشد یا نه. و ما مشروعیت آن را با ادله عام و خاص ثابت کردیم.

ثالثاً: همان گونه که از کلام شیخ شلتوت استفاده شد، مقصود از تشبیه به نصارا، تشبیه در اختصاصیات آنان؛ از قبیل صلیب و زدن ناقوس است، نه در هر عملی.

اشکال پنجم

سلف صالح این عمل را انجام ندادند.

پاسخ

اولاً: در اصول به اثبات رسیده که عدم فعل معصوم دلالت بر حرمت، و فعل معصوم دلالت بر وجوب ندارد، بلکه تنها عدم فعل، دلالت بر عدم وجوب و فعل دلالت بر عدم حرمت دارد. پس مجرد انجام ندادن، دلیل بر حرمت و عدم جواز نیست.

ص: ۵۷

ثانیاً: سیره و عمل مسلمین تا عصر ابن تیمیه، برپایی مراسم بوده و اهل سنت تصریح دارند که اجماع حجّت است.

ثالثاً: این که در کلام ابن تیمیه آمده: محبت سلف صالح نسبت به رسول خدا بیشتر بوده و اگر جایز می بود حتماً این عمل را انجام می دادند، این حرف، خلاف احادیث نبوی است؛ زیرا در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به صحابه آمده: «همانا زود است که اقوامی بیایند که از شما محبتشان نسبت به من بیشتر باشد». (۱)

اشکال ششم

اختصاص دادن روزی خاص برای اظهار فرح و شادی بدعت است.

پاسخ

اولاً: همان گونه که به اثبات رسیده، گاهی مکانی به جهت مظروفش شرف پیدا می کند، زمان نیز این چنین است؛ برخی از زمان ها به جهت عمل خاصی که در آن انجام گرفته ارزشمند است؛ همانند شب قدر که قرآن می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ»؛ «ما قرآن را در شب مبارکی نازل کردیم». پس اگر مراسمی را در وقت خاصی مثل میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله یا غدیر انجام می دهیم به جهت مبارکی آن زمان خاص است.

ثانیاً: اوامر شارع گاهی به شیئی به عنوان عام آن تعلق می گیرد، که تطبیقش بر مصادیق بر عهده مکلف است؛ همانند کمک به فقرا، که حکم بر موضوعی کلی است (کمک به فقرا)، ولی تطبیق آن بر مصادیق خاص،

ص: ۵۸

به عهده مکلف واگذار شده تا هر نوع کمکی که فقیر لازم دارد و مقدور اوست انجام دهد. در اینجا نیز تطبیق آن بر وقتش به مکلف واگذار شده تا در هر وقتی که مناسب می بیند پیاده نماید.

تألیفات درباره برپایی مراسم

علمای اهل سنت درباره جواز بلکه استحباب و رجحان برپایی مراسم جشن ولادت، کتاب های مستقلی تألیف کرده اند. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - «حسن المقصد فی عمل المولد»، حافظ جلال الدین سیوطی.

۲ - «الحاوی للفتاوی»، سیوطی.

او در یکی از فصول این کتاب بحثی را تحت عنوان «حکم الاحتفال بالمولد النبوی» مطرح کرده است.

۳ - «جامع الآثار فی مولد النبوی المختار»، در سه جلد، از ابن کثیر دمشقی.

۴ - «اللفظ الرائق فی مولد خیر الخلائق»، از ابن کثیر.

۵ - «مورد الصادی فی مولد الهادی»، از ابن کثیر. (۱)

۶ - «المورد الهنی فی المولد السنّی»، از حافظ عراقی.

۷ - «التبر المسبوک فی ذیل السلوک»، از حافظ سخاوی.

۸ - «المولد الروی فی المولد النبوی»، ملاً علی قاری.

ص: ۵۹

۱- ۸۰. ر.ک: کشف الظنون.

توضیح

یکی از سؤال‌ها یا اعتراضاتی که برخی اوقات توسط برخی افراد و یا وهابیان مطرح می‌شود این است که چرا در سوگ اولیای الهی عزاداری می‌کنیم؟ و چرا در سوگ آن‌ها می‌گرییم و مراسم برپا می‌کنیم؟ چرا به سینه می‌زنیم و مرثیه می‌خوانیم؟ و چرا در مورد گذشته‌ها تجدید خاطره می‌کنیم؟ آیا آن‌ها به عزاداری ما احتیاج دارند یا ما به عزاداری برای آن‌ها محتاجیم؟

وهابیان این عمل را بدعت می‌دانند و می‌گویند: هیچ دلیل و مدرکی برای آن‌ها وجود ندارد و لذا جزء سنت به حساب نمی‌آید و باید ترک شود.

اینک به بررسی این موضوع در سطوح مختلف می‌پردازیم:

۱- عزاداری و احیای فرهنگ عاشورا

با مراجعه به عقل سلیم پی می‌بریم که برپایی مراسم عزای اولیای الهی، خصوصاً سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام موافق با عقل است، زیرا احیا و تکریم آنان در حقیقت تکریم شخصیت عظیم

و شعارهای آنان است و هر امتی که بزرگان خود را تکریم نکند محکوم به شکست و نابودی است. بزرگانند که تاریخ امت ها را ترسیم کرده و آن را می سازند.

برخی از شعارهای حسینی

۱ - «أنتي لا- أرى الموت إلا سعادة، و الحياه مع الظالمين إلا برماً»؛^(۱) «من در چنین شرایطی مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنج و نکبت نمی دانم.»

۲ - «ليس الموت في سبيل العز إلا- حياه خالده، و ليست الحياه مع الذل إلا الموت الذي لا حياه معه»؛ «مرگ در راه عزت جز زندگانی جاویدان نیست. و زندگانی با ذلت جز مرگ نیست.»

۳ - «ألا و إنّ الدعي ابن الدعي قد ركز بين اثنتين، بين السلّه و الذلّه و هيهات منّا الذلّه ...»؛ «آگاه باشید که زنازاده، پسر زنا زاده [ابن زیاد] مرا بین دو چیز مخیر ساخته است. یا با شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت کنم، ولی ذلت از ما بسیار دور است.»

۴ - «إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و على الاسلام السلام إذ قد بليت الأمه براع مثل يزید»؛^(۲) «ما برای خدا و به سوی او رجوع خواهیم کرد. هنگامی که امت به رهبری مانند یزید مبتلا است باید با اسلام وداع کرد.»

ص: ۶۲

۱- ۸۱. تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۸.

۲- ۸۲. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۵ - «... إني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وإنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي صلى الله عليه وآله، أريد أن آمر بالمعروف وأنهى عن المنكر وأسير بسيرة جدي و أبي علي بن ابي طالب عليه السلام...»؛ (۱) «من به جهت طغيان گری و ایجاد تفرقه بين مسلمين و فساد و ظلم قيام نکردم، بلکه برای اصلاح در امت جد خود خروج نمودم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره جد و پدرم علی بن ابي طالب عمل کنم.»

۲- ارتباط عاطفی امت با اولیای الهی

یکی از راه های اساسی و مهم در توجیه مسائل عقیدتی و سیاسی و اجتماعی مردم، راه تحریک عاطفه در وجود انسان است. انسان از این سو، بیشتر تأثیرپذیر است تا جنبه عقلی و جوانب دیگر. به تعبیری دیگر، این روش مؤثرتر از دیگر جوانب است. حال با توجه به قضیه شهادت اولیای الهی خصوصاً سرور و سالار شهیدان، تذکر و توجه دادن مردم به آن واقعه سبب تحریک احساس های مردم خواهد شد و از این طریق می توانیم آن بزرگواران را به عنوان الگو معرفی کرده، شعارها و دستورهایشان را - که همان شعارها و دستورهای خداوند است - به مردم برسانیم. بدین دلیل

ص: ۶۳

است که امام زین العابدین علیه السلام بعد از واقعه عاشورا تا بیست سال برای شهدای کربلا، خصوصاً پدرش امام حسین علیه السلام گریه می کرد.

این مطلب با در نظر گرفتن مدح پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در مورد آن حضرت بیشتر مشخص می شود:

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «حسین منی و أنا من حسین، أحبّ الله من أحبّ حسیناً»؛^(۱) «حسین از من است و من نیز از حسینم، خداوند دوست می دارد هر کس که حسین را دوست دارد.»

هم چنین پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنّة»؛^(۲) حسن و حسین سرور و سید جوانان اهل بهشتند.»

۳ - بهره برداری از جوّ معنوی مجالس

از آنجا که روح ملکوتی امام حسین علیه السلام و سایر اولیای الهی در این جلسات حاضرند لذا انسان و حتی اطفال نیز با شرکت در این مجالس می توانند از فیوضات آن بهره مند شوند.

از یکی از بزرگان نقل شده که می فرمود: «... قنّداقه نوزادان را تا چند ماهگی در مجالس علم و محافل ذکر و حسینیّه و محلّ های عزاداری که اسم سیدالشهدا در آن برده می شود ببرید، چرا که نفس طفل همچون

ص: ۶۴

۱- ۸۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۱، فضائل اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله.

۲- ۸۵. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۱۷؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶۹.

مغناطیس است و علوم و اوراد و اذکار و قدوسیت روح امام حسین علیه السلام را جذب می کند. طفل گر چه زبان ندارد، ولی ادراک می کند، و روحش در دوران کودکی اگر در محلّ یا محالّ معصیت برده شود آن جرم و گناه او را آلوده می کند، و اگر در محل های ذکر و عبادت و علم برده شود آن پاکی و صفا را به خود می گیرد.

او می فرمود: شما اطفال خود را در کنار اطاق روضه خوانی یا اتاق ذکری که دارید قرار بدهید، علمای سابق این طور عمل می نمودند؛ زیرا آثاری را که طفل در این زمان اخذ می نماید تا آخر عمر در او ثابت می ماند و جزء غرایز و صفات فطری او می گردد، زیرا که نفس بچه در این زمان قابلیت محضه است، گر چه این معنای مهم و این سرّ خطیر را عامّه مردم ادراک نمی کنند».

۴ - اصلاح و ارشاد جامعه

اشاره

گر چه مردم در جلساتی که به نام سیدالشهدا علیه السلام بر پا می شود به عشق حضرت شرکت می کنند، ولی در ضمن با گوش دادن و فراگیری معارف اسلامی و مسائل دینی خود؛ اعم از اعتقادات و احکام و اخلاقیات، به فیض عظمای دیگر نایل شده و از این طریق به کمال و سعادت خواهند رسید. همان هدفی که امام حسین علیه السلام به خاطر آن به شهادت رسید.

ص: ۶۵

حب و بغض دو امر متناقض است که بر خاطر انسان عارض شده و از آن دو به میل و بی میلی نفس به چیزی تعبیر می شود.

کسانی که محبت آن ها واجب است

توضیح

از ادله عقلی و نقلی استفاده می شود که محبت برخی افراد بر انسان واجب است:

۱ - خداوند

خداوند متعال در رأس کسانی است که محبت او اصالتاً به جهت دارا بودن همه صفات کمال و جمال، و این که همه موجودات به او وابسته اند، واجب است.

خداوند متعال می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (۱) [آی

ص: ۶۷

رسول بگو اَمّت را که ای مردم! اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود را و اموالی که جمع آورده اید و مال التجاره ای که از کسادی آن بیمناکید و منازلی که به آن دل خوش داشته اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذ خدا جاری گردد و خدا فاسقان و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.»

۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله

از جمله کسانی که به خاطر خدا باید دوست بداریم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، زیرا او واسطه فیض تشریح و تکوین است. از همین رو در آیه فوق در کنار نام خداوند از حضرت یاد شده و امر به محبت او شده است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «اَحْبُوا اللَّهَ لَمَا يَغْذُوكُمْ و اَحْبُونِي بِحَبِّ اللَّهِ...»؛ [\(۱\)](#) خداوند را از آن جهت دوست بدارید که شما را روزی می دهد و مرا به خاطر خدا دوست بدارید.»

از طرف دیگر، مناقب و فضایل و کمالات آن حضرت از جمله عواملی است که انسان را جذب آن حضرت کرده و محبتش را در دل می آورد.

۳ - آل بیت پیامبر علیهم السلام

در قرآن و روایات اسلامی - اعم از شیعی و سنی - بر مودّت و محبت اهل بیت پیامبر علیهم السلام تأکید فراوان شده است؛ و این تنها بدان جهت نیست که آنان ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل اویند، بلکه از آن جهت است که آنان دارای

ص: ۶۸

فضایل و کمالات، و به عبارت دیگر جامع همه صفات کمال و جمالند؛ به تعبیر دقیق تر، مظهر صفات جمال و جلال الهی اند. لذا در حقیقت، دوست داشتن آنان با آن جامعیت، محبت به خوبی هایی است که در آنان به نحو کامل تجلی نموده، و منبع همه این خوبی ها خداوند متعال است. پس در حقیقت محبت و اظهار عشق و ارادات قلبی به اهل بیت علیهم السلام، محبت و اظهار ارادت به خداوند متعال است و از آنجا که محبت، نیرویی است که انسان را به سوی محبوب سوق می دهد، پس از جنبه تربیتی، محبت به خوبان، انسان را به خوبی ها سوق می دهد.

اهل بیت کیانند؟

با مراجعه به کتاب های لغت و اصطلاح علماء، و نیز کتاب های حدیث پی می بریم که مراد از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله افراد خاصی هستند و اهل بیت، شامل تمام وابستگان نسبی و سببی ایشان نمی شود:

الف - اهل بیت در لغت و عرف:

ابن منظور افریقی در لسان العرب می گوید: «اهل انسان نزدیک ترین مردم است به انسان، و کسانی که آنان را به نسب یا دین جمع می کند» (۱).

ب - اهل بیت در قرآن و سنت:

در قرآن و روایات، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله در مورد افراد خاصی به کار رفته که همان رسول خدا صلی الله علیه وآله و امام علی و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام

ص: ۶۹

است. و بقیه ذریه پاک نیز به آنان ملحقند، که همان نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیهم السلام هستند.

ام سلمه می گوید: هنگامی که آیه « اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً » بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، حضرت، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را احضار کرده و فرمود: «اینان اهل بیت منند.» (۱)

و امام حسین علیه السلام فرمود: «اَنَا اهل بیت النبوه»؛ (۲) «ما اهل بیت نبوتیم.»

مسلم به سند خود از عایشه نقل می کند: هنگام صبح پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خارج شد، درحالی که بر دوش او پارچه ای بافته شده از موی سیاه به نام «کسا» بود، حسن بن علی بر او وارد شد او را داخل آن کسا نمود. آن گاه حسین علیه السلام وارد شد او را نیز داخل آن کرد. سپس فاطمه علیها السلام آمد او را نیز داخل کسا کرد، بعد علی علیه السلام وارد شد او را نیز داخل نمود. پس این آیه را قرائت نمود: « اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.» (۳)

أحمد بن حنبل می گوید: هنگامی که آیه «مباهله» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، حضرت؛ علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خواست، آن گاه عرض کرد: «بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند.» (۴)

ص: ۷۰

۱- ۸۹. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۸، ح ۴۷۰۵؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۶۳.

۲- ۹۰. مقتل الامام حسین علیه السلام، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳- ۹۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۳، ح ۲۴۲۴، کتاب فضائل الصحابه.

۴- ۹۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۵.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛ (۱)» [ای رسول ما به امت [بگو من از شما هیچ اجری برای رسالت نمی خواهم جز این که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندانم منظور دارید.]»

این آیه معروف به آیه مودت است که در اغلب کتاب های تفسیر و حدیث و تاریخ، نزول آن را در حق اهل بیت علیهم السلام می دانند.

سیوطی در تفسیر این آیه به اسناد خود از ابن عباس نقل می کند: هنگامی که این آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندان تو کیانند که مودت آنان بر ما واجب است؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «علی و فاطمه و دو فرزندان آن ها». (۲)

در خطبه ای که امام حسن علیه السلام بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ایراد کردند، بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: «... و أنا من أهل البيت الذي افترض الله مودتهم على كل مسلم، فقال تبارك و تعالی: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا

ص: ۷۱

۱- ۹۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- ۹۴. در المنثور، ج ۶، ص ۷؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۷۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸؛ کشف، ج ۴، ص ۲۱۹.

حُسَيْنًا» فاقتراف الحسنه مودتنا أهل البيت؛ «... و من از أهل بيتی هستم که خداوند مودت آنان را بر هر مسلمانی واجب نموده است، پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...»، پس انجام کار نیک مودت ما اهل بیت است.»

امام صادق علیه السلام به ابی جعفر احوال فرمود: «چه می گویند اهل بصره در این آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؟» عرض کرد: فدایت گردم، آنان می گویند: این آیه در شأن خویشاوندان رسول خداصلی الله علیه وآله است.

حضرت فرمود: «دروغ می گویند، تنها در حق ما اهل بیت، علی و فاطمه و حسن و حسین اصحاب کسا نازل شده است.»^(۱)

می دانیم که حصر در این روایات، اضافی است نه حقیقی، و لذا شامل بقیه امامان نیز می شود.

دوستی اهل بیت علیهم السلام در روایات

در روایات فریقین همانند قرآن کریم به طور صریح بر محبت اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - وادار نمودن بر دوستی اهل بیت علیهم السلام؛

رسول الله صلی الله علیه وآله می فرمایند: «ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حبّ نبیکم، وحبّ اهل بیته، و قراءه القرآن»؛^(۲) اولاد خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیتش، و قرائت قرآن.»

ص: ۷۲

۱- ۹۵. کافی، ج ۸، ص ۷۹، ح ۶۶؛ قرب الاسناد، ص ۱۲۸.

۲- ۹۶. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹؛ فیض القدير، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۳۳۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أحسن الحسنات حُبنا، و أسوأ السيئات بغضنا»؛^(۱) بهترین نیکی ها حُب ما، و بدترین بدی ها بغض ما اهل بیت علیهم السلام است.»

۲ - دوستی اهل بیت دوستی رسول خداست؛

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «أحبوا الله لما يغذوكم من نعمه، وأحبوني لحب الله، و أحبوا أهل بيتي لحبي»؛^(۲) «خدا را دوست بدارید به جهت آن که از نعمت هایش به شما روزی می دهد. و مرا به جهت دوستی خدا دوست بدارید، و اهل بیتم را نیز به جهت دوستی من دوست بدارید.»

زید بن ارقم می گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله بودم که دیدم فاطمه زهرا علیها السلام داخل حجره پیامبر صلی الله علیه وآله شد، در حالی که دو فرزندش حسن و حسین با او بودند، و علی علیه السلام نیز پشت سر آنان وارد شد، پیامبر صلی الله علیه وآله به آنان نظر کرده، فرمود: «من أحب هؤلاء فقد أحبني، و من ابغضهم فقد أبغضني»؛^(۳) هر کس اینان را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس که اینان را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «من عرف حقنا و أحبنا فقد أحب الله تبارك

ص: ۷۳

۱- ۹۷. غررالحکم، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۳۳۶۳.

۲- ۹۸. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۴، ح ۳۷۸۹؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰.

۳- ۹۹. امام حسین علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۹۱، ص ۱۲۶.

و تعالی؛(۱) هر کس حق ما را شناخته، ما را دوست بدارد در حقیقت خداوند تبارک و تعالی را دوست داشته است.»

۳ - حَبّ اهل بیت اساس ایمان است؛

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «أساس الإسلام حَبّی و حَبّ أهل بیتی»؛(۲) «اساس اسلام، دوستی من و اهل بیت من است.»

همچنین فرمود: «لکلّ شیء أساس، و أساس الإسلام حَبنا أهل البیت»؛(۳) «برای هر چیزی اساسی است و پایه اسلام حَبّ ما اهل بیت است.»

۴ - حَبّ اهل بیت علیهم السلام عبادت است؛

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «حَبّ آل محمّد يوماً خیر من عباده سنه، و من مات علیه دخل الجنّه»؛(۴) «یک روز دوستی آل محمّد، بهتر از یک سال عبادت است، و کسی که بر آن دوستی بمیرد داخل بهشت می شود.»

۵ - دوستی اهل بیت علیهم السلام نشانه ایمان است؛

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «لا یؤمن عبد حتّی أكون أحبّ إلیه من نفسه، و أهلی أحبّ إلیه من أهله، و عترتی أحبّ إلیه من عترته، و ذاتی أحبّ إلیه من ذاته»؛(۵) «هیچ بنده ای ایمان کامل پیدا نمی کند، مگر در

ص: ۷۴

۱- ۱۰۰. کافی، ج ۸، ص ۱۱۲، ح ۹۸.

۲- ۱۰۱. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۵، ح ۳۴۲۰۶؛ در المنثور، ج ۶، ص ۷.

۳- ۱۰۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۴۶۱.

۴- ۱۰۳. نورالابصار، ص ۱۲۷؛ کافی، ج ۲، ص ۴۶، ح ۳.

۵- ۱۰۴. المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۸۶، ح ۶۴۱۶؛ امالی صدوق، ص ۲۷۴، ح ۹.

صورتی که من دوست داشتنی تر نزد او از خودش باشم، و نیز اهل بیتم از اهلش محبوب تر، و عترتم از عترتش دوست داشتنی تر و ذاتم از ذاتش محبوب تر باشد.»

۶- دوستی اهل بیت نشانه پاکی ولادت؛

پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره به علی علیه السلام کرد و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! امْتَحِنُوا أَوْلَادَكُمْ بِحَبِّهِ، فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ، وَلَا يَبْعَدُ عَنْ هَدْيٍ، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ، وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَلَيْسَ مِنْكُمْ»؛^(۱) «ای مردم! اولاد خود را به دوستی علی امتحان نمایید، زیرا او شما را به گمراهی دعوت نمی کند و از هدایت دور نمی سازد. پس هر یک از اولاد شما که علی را دوست بدارد از شماست، و هر کدام که او را دشمن بدارد از شما نیست.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در وصیته که پیامبر صلی الله علیه و آله به اباذر کرده آمده است: «يا أباذر! من أحبنا أهل البيت فليحمد الله على أول النعم. قال: يا رسول الله! و ما أول النعم؟ قال: طيب الولاده، أنه لا يحبنا إلا من طاب مولده»؛^(۲) «ای اباذر! هر کس ما اهل بیت را دوست دارد باید بر اولین نعمت، خداوند را ستایش نماید. ابوذر عرض کرد: ای رسول خدا! اولین نعمت چیست؟ فرمود: نیکی ولادت، زیرا دوست ندارد ما را مگر کسی که ولادتش پاک است.»

ص: ۷۵

۱- ۱۰۵. ترجمه امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۲۵، ح ۷۳۰.

۲- ۱۰۶. امالی صدوق، ص ۴۵۵.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «أول ما يُسأل عنه العبد حينما أهل البيت»؛^(۱) «اولین چیزی که در روز قیامت از بنده سؤال می شود، دوستی ما اهل بیت است.»

و نیز فرمود: «لا تزول قدما عبد يوم القيمة حتى يُسأل عن أربع: عن عمره فيما أفناه، و عن جسده فيما أبلاه، و عن ماله فيما أنفقه و من أين كسبه، و عن حینما أهل البيت»؛^(۲) «روز قیامت بنده قدم از قدم بر نمی دارد تا آن که از چهار چیز سؤال شود: از عمرش که در چه راهی صرف کرده، و از بدنش که در چه راهی به کار گرفته، و از مالش که در چه راهی خرج کرده و از کجا به دست آورده است، و از دوستی ما اهل بیت.»

ادله خاص

روایاتی که تاکنون ذکر شد، اشاره به دوستی مجموعه اهل بیت علیهم السلام داشت؛ دسته ای دیگر از روایات، اشاره به دوستی و محبت برخی از اهل بیت دارد که به تعدادی از آن ها نیز اشاره می کنیم:

۱ - دوستی امام علی علیه السلام؛

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «برائه من النار حبّ علی»؛^(۳) «تنها راه دوری از آتش جهنم، دوستی علی علیه السلام است.»

ص: ۷۶

۱- ۱۰۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲، ح ۲۵۸.

۲- ۱۰۸. المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۰۲، ح ۱۱۱۷۷.

۳- ۱۰۹. مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۲۴۱.

و نیز فرمود: «یا علی! طوبی لمن احبک و صدق فیک، و ویل لمن أبغضک و کذب فیک»؛^(۱) «ای علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته و در حق تو صادق باشد، و وای بر کسی که تو را دشمن داشته و در حق تو کاذب باشد.»

أم سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «لا یحب علیاً منافق، و لا یبغضه مؤمن»؛^(۲) «منافق، علی علیه السلام را دوست ندارد و مؤمن او را دشمن ندارد.»

امام علی علیه السلام فرمود: «والذی فلق الحبه و برأ النسمة، إنّه لعهد النبى الأُمى إلیّ انّه لا یحبّنی إلیّ مؤمن، و لا یبغضنی إلیّ منافق»؛^(۳) «قسم به کسی که دانه را شکافت، و انسان را آفرید، هر آینه عهدی است از پیامبر امّی به من که دوست ندارد مرا مگر مؤمن، و دشمن ندارد مرا مگر منافق.»

۲ - دوستی فاطمه زهرا علیها السلام؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «فاطمه بضعه منّی، من أغضبها فقد أغضبنی»؛^(۴) «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را به غضب آورد، مرا خشمگین کرده است.»

ص: ۷۷

۱- ۱۱۰. همان، ج ۳، ص ۱۳۵.

۲- ۱۱۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۵؛ ح ۳۷۱۷؛ جامع الصول، ج ۸، ص ۶۵۶، ح ۶۴۹۹.

۳- ۱۱۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۸۶؛ ح ۱۳۱؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۴۳.

۴- ۱۱۳. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۲.

از عایشه سؤال شد: کدامین شخص از زنان نزد رسول خداصلی الله علیه وآله محبوب تر بوده است؟ گفت: فاطمه. سؤال شد: از مردان؟ گفت: همسرش. (۱)

۳- دوستی امام حسن و حسین علیهما السلام؛

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «هذان ابنای الحسن و الحسین، اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُمَا، اللَّهُمَّ فَأُحِبُّهُمَا وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمَا»؛ (۲) «اینان دو فرزندان من هستند، بار خدایا! من آنان را دوست می دارم. بار خدایا! تو نیز آنان و هر کس که آنان را دوست دارد، دوست بدار.»

و نیز فرمود: «الحسن و الحسین ریحانتای»؛ (۳) «حسن و حسین دو دسته گل من هستند.»

جلوه های حب در زندگی انسان

انسان که کسی را دوست دارد این دوستی تنها حالتی نیست که در نفس باقی بماند بلکه همان گونه که اشاره شد، اقبال دارد و این اقبال منشأ ظهور و بروز در زندگی انسان است. و اگر محبت در موردی رجحان پیدا کرد به تبع آن مظاهر و بروزات آن نیز راجح می گردد و ادله استحباب شامل آن ها نیز می شود، مگر در مواردی که مظهر مورد نهی قرار گیرد؛ مثل القاء

ص: ۷۸

۱- ۱۱۴. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۱، ح ۳۸۷۴.

۲- ۱۱۵. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۰۰-۱۰۱، ح ۲۳۵؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۵۶؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳- ۱۱۶. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۲۴۱؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۵۷، ح ۳۷۷۰؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۸۵.

به هلاکت انداختن خود به جهت محبوب که این مورد از دلیل استحباب خارج می شود. اینک به برخی مظاهر حب اشاره می کنیم:

۱ - اطاعت و انقیاد.

۲ - زیارت محبوب.

۳ - تکریم و تعظیم محبوب.

۴ - برآورده کردن حاجت های محبوب.

۵ - دفاع از محبوب به انحاء مختلف.

۶ - حزن و اندوه در فراق محبوب.

۷ - حفظ آثار محبوب.

۸ - احترام به فرزندان و نسل محبوب.

۹ - بوسیدن آن چه به او مرتبط است.

۱۰ - برپایی مراسم جشن و مولودی خوانی در میلاد محبوب.

نتیجه این که اقامه عزاداری نیز لوازم و مظاهر حبّ اهل بیت علیهم السلام است.

ص: ۷۹

اشاره

بیشترین و مهم‌ترین تأثیری که مراسم عزاداری بر شرکت‌کنندگان دارد تأثیرات روانی است و بیشتر شرکت‌کنندگان نیز در پی همین نوع تأثیرات هستند. لذا برخی می‌گویند: عزاداری و ازدیاد این مراسم در طول سال و به مناسبت‌های مختلف باعث می‌شود که جامعه از شادی‌ها دور باشد و بیشتر احساس غمگینی کند و در نتیجه باعث افزایش افسردگی در جامعه شود. اینک به بررسی این سؤال و پاسخ به آن می‌پردازیم.

مراتب گریه

توضیح

گریه دارای یک ظاهر است و یک باطن. ظاهر آن یک امر فیزیولوژیک است؛ یعنی باید تأثیرات روانی از طریق محرک‌های بیرونی یا درونی مثل تفکر شکل گیرد، سپس این تأثیرات وارد چرخه فیزیولوژی مغز و اعصاب شود. در این هنگام بخش خاصی از مغز فعال شده و غدد اشکی چشم را فرمان فعالیت می‌دهد، و در نهایت قطرات اشک جریان پیدا می‌کند که ما آن را گریه می‌نامیم. باطن گریه همان تأثیرات درونی است. نگاه روان‌شناختی و داوری ما در باب پیامدهای گریه نیز دایرمدار تأثیرات عاطفی

است. اگر در روایات آمده است که گریه کردن و گریاندن و حالت گریه به خود گرفتن در مراسم عزای حسینی منشأ اثر دنیوی و اخروی است، به تأثرات درونی نظر دارد و گرنه به صورت مصنوعی و یا با مواد شیمیایی هم می توان، چشمانی گریان داشت. باطن گریه بر چهار نوع تقسیم می شود که یک نوع آن معطوف به خود و نیازهای سرکوب شده خود است و می تواند با افسردگی هم بستگی مثبت داشته باشد و {۰۰۰} اجتماعی فرد را مختل سازد، اما سه نوع دیگر، امیدبخش است و حرکت آفرین و رابطه معکوس با افسردگی دارد؛ نوع اول ناشی از مرگ واقعی است، اما سه نوع دیگر سوگ واقعی نیستند اگر چه در مراسم سوگواری انجام می پذیرد. این چهار نوع عبارتند از:

۱ - گریه ناشی از ارتباط و علاقه

این گریه به هنگام غم و مصیبت و داغ دیدگی حاصل می شود و اختیاری نیست، و معمولاً بی اراده جاری می گردد. این گریه به اصطلاح روان شناسان و روان درمان گران، تخلیه روانی - هیجانی است و به خود فرد و نیازهای سرکوفته شده او بازمی گردد.

۲ - گریه ناشی از عقیده

این نوع گریه مثل اشکی است که هنگام مناجات از انسان جاری می شود. که ناظر به حال و آینده است. این نوع گریه ریشه در اعتقادات دارد و مربوط به ترس های دنیوی و زندگی روزمره نیست.

۳ - گریه ناشی از کمال خواهی

برخی از گریه ها ناشی از فضیلت طلبی و کمال خواهی است، مثل گریه ای که در فقدان معلّم و مربّی اخلاق و پیامبر و امام و... رخ می دهد. این نوع از آن جهت است که ما در عمق وجودمان کمال و رشد را تحسین می کنیم و از بودن آن کمالات، ذوق زده می شویم و از فقدان آن ها ناراحت می گردیم. گاهی در مراسم عزاداری گریه هایی از این نوع وجود دارد.

۴ - گریه بر مظلوم

مثل این که بر رسول خداصلی الله علیه وآله و امامان مخصوصاً سالار شهیدان و مصائبی که بر آنان وارد شده می گرییم.

مراسم عزاداری و افسردگی

اختلالات افسردگی به سه قسم کلی تقسیم می شود:

۱ - اختلال افسردگی عمده.

۲ - اختلال افسردگی خویی.

۳ - اختلال افسردگی موردی که در آن دو نوع جای نگرفته اند. (۱)

اختلال افسردگی عمده، شدیدترین نوع افسردگی است و برخی از نشانه های آن عبارت است از:

الف - احساس غمگینی یا پوچی در بیشتر یا تمام روز.

ص: ۸۳

ب - کاهش چشم گیر علاقه یا لذت نسبت به همه فعالیت ها در بخش عمده روز.

ج - کاهش چشم گیر وزن بدن، بدون پرهیز یا وزن غذایی، یا افزایش قابل ملاحظه وزن در عرض یک ماه.

د - بی خوابی یا خواب زدگی تقریباً در همه روز.

ه - خستگی یا از دست دادن انرژی تقریباً در همه روز.

و - احساس بی ارزشی یا احساس گناه مفرط.

ز - کاهش توانایی فکری یا تمرکزیابی تصمیمی همه روزه.

ط - افکار مکرر و عود کننده راجع به مرگ.

از بین این سه نوع افسردگی، نوع اول و سوم مورد نظر کسانی که م...گویند مراسم عزاداری باعث افسردگی جامعه شده است نیست، چون مورد اول بسیار شدید و واضح البطلان است، نه جامعه ایران مبتلا به افسردگی عمده است و نه مراسم عزاداری با ویژگی هایی که می دانیم می تواند باعث افسردگی عمده جامعه شود.

نوع سوم هم مراد نیست چرا که مربوط به مواردی خاص از قبیل: اختلال ملال پیش از قاعدگی، اختلال افسردگی جزئی، اختلال افسردگی پس از روان پریشی ناشی از اسکیزوفرنی و غیره است. پس افسردگی خویی مورد نظر است. اختلال افسردگی خویی نسبتاً خفیف است و دارای نشانه های تشخیصی زیر است:

۱ - کم اشتهایی یا پراشتهایی.

۲ - بی خوابی یا خواب زدگی.

۳ - کمبود انرژی یا احساس خستگی.

۴ - اشکال در تصمیم گیری و احساس درماندگی.

۵ - ظهور این نشانه ها در بخش عمده روز و در بیشتر روزها به مدت حداقل دو سال.

۶ - این نشانه ها ناشی از آثار فیزیولوژیک مثل مصرف ناصحیح دارو و... نباشد.

۷ - این نشانه ها موجب اختلال در کارکرد اجتماعی و شغلی او شود.

اکنون ببینیم آیا مراسم عزاداری نشانه های افسرده خوئی را در انسان فراهم می کند، و باعث افسردگی در جامعه می شود یا نه؟

برای روشن شدن این مطلب لازم است به عوامل افسرده خوئی از دیدگاه روان شناسی توجهی کنیم. برای افسرده خوئی سه عامل عمده را شمارش کرده اند: زیستی، ارثی و هیجانی - محیطی. (۱) تنها عامل افسردگی، عامل محیطی نیست. و از طرفی عامل محیطی تنها در کسانی مؤثر است که زمینه های ارثی و زیستی در وضعیت مغز و کارکرد قسمت های مختلف آن دارند. و در بین عوامل محیطی که استرس زایی شدید دارد جایی برای مراسم عزاداری وجود ندارد. سوگ و داغ واقعی می تواند یکی از آن عوامل

ص: ۸۵

باشد اما مراسم عزاداری هیچ سهمی در استرس زایی ندارد، بلکه برعکس با توجه به مباحثی که در روان شناسی اجتماعی و کارکرد گروه ها و ویژگی های گروه های مذهبی گفته می شود، می توان گفت که مراسم عزاداری کاملاً نقش استرس زدایی را دارد و در صورتی که از مراتب ناشی از عقیده یا کمال خواهی یا گریه بر مظلوم باشد می تواند ایجاد آرامش در وجود انسان کرده و اضطراب زدایی نماید. برای اثبات این مطلب به نمونه ای در این باره اشاره می کنیم:

دکتر تیجانی تونسسی می گوید: «... دوستم منعم آمد و با هم به کربلا مسافرت کردیم و در آنجا به مصیبت سرورمان حسین - مانند شیعیان - پی بردم و تازه فهمیدم که حضرت حسین علیه السلام نمرده است و این مردم بودند که ازدحام می کردند و گرداگرد آرامگاهش پروانه وار می چرخیدند و با سوز و گدازی که نظیرش هرگز ندیده بودم گریه می کردند و بیتابی می نمودند که گویی هم اکنون حسین علیه السلام به شهادت رسیده است. و سخنرانان را می شنیدم که با بازگو کردن فاجعه کربلا، احساسات مردم را برمی انگیزتند و آنان را به ناله و شیون و سوگ و وا می دارند و هیچ شنونده ای نمی تواند این داستان را بشنود و تحمل کند، بلکه بی اختیار از حال می رود. من هم گریستم و گریستم و آن قدر گریستم که گویی سال ها غصه در گلویم مانده بود، و اکنون منفجر می شود.

پس از آن شیون، احساس آرامشی کردم که پیش از آن روز چنان چیزی

ندیده بودم. تو گویی در صف دشمنان حسین علیه السلام بوده ام و اکنون در یک چشم بر هم زدن منقلب شده بودم و در گروه یاران و پیروان آن حضرت که جان خود را نثارش کردند، قرار می گرفتم. و چه جالب که در همان لحظات، سخنران، داستان حُرّ را بررسی می کرد. حُرّ یکی از سران سپاه مخالف بود که به جنگ با حسین علیه السلام آمده بود، ولی یک باره در میدان نبرد بر خود لرزید و وقتی اصحابش از او سؤال کردند که تو را چه شده است؟ نکند که از مرگ می هراسی؟ او در پاسخ گفت: به خدا سوگند! هرگز از مرگ هراسی ندارم ولی خود را مخیر می بینم که بهشت را برگزینم یا دوزخ را. او ناگهان اسب خود را به سوی حسین علیه السلام حرکت داد و به دیدار او شتافت و گریه کنان عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا! آیا توبه برایم هست؟».

درست در همین لحظه بود که دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و شیون کنان خود را بر زمین افکندم، و گویا نقش حر را پیاده می کردم و از حسین علیه السلام می خواستم که «ای فرزند رسول خدا! آیا توبه ای برایم هست؟ یابن رسول الله! از من درگذر و مرا ببخش».

صدای واعظ چنان تأثیری در شنوندگان گذاشته بود که گریه و شیون مردم بلند شد. دوستم که صدای فریادم را شنید، با گریه مرا در بغل گرفت و معانقه کرد. همان گونه که مادری فرزندش را دربر می گیرد و تکرار می کرد: «یا حسین! یا حسین!».

لحظاتی بود که در آنان گریه واقعی را درک کرده بودم، و احساس

می کردم اشک هایم قلبم را شست و شو می دهند و تمام بدنم را از درون تطهیر می کنند. آنجا بود که معنای روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را فهمیدم که می فرمود: «اگر آنچه من می دانستم شما هم می دانستید هر آینه کمتر می خندیدید و بیشتر می گریستید». تمام آن روز را با اندوه گذراندم. دوستم می خواست مرا تسلی دهد و دلداری نماید و لذا برایم مقداری شربت و شیرینی آورد، ولی به کلی اشتهایم کور شده بود. از دوستم درخواست کردم که داستان شهادت امام حسین علیه السلام را برایم تکرار کند؛ زیرا چیزی از آن - نه کم و نه زیاد - نمی دانستم...» (۱)

ص: ۸۸

۱- ۱۱۹. آنگاه هدایت شدم، ص ۹۶-۹۸.

بخاری به سند خود از عایشه نقل می کند: «هنگامی که خیر شهادت زید بن حارثه و جعفر و عبدالله بن رواحه به پیامبر صلی الله علیه وآله رسید، حضرت در حالی که آثار حزن در صورتش نمایان بود وارد مسجد شد و در آنجا نشست»^(۱).

ابن هشام نقل می کند: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله به مدینه بازگشت صدای گریه و نوحه را بر کشته شدگان شنید. آن گاه چشمان پیامبر صلی الله علیه وآله پر از اشک شد و فرمود: ولی حمزه گریه کننده ای ندارد. با شنیدن این سخن، زنان بنی اشهل آمدند و بر عموی رسول خدا صلی الله علیه وآله گریستند»^(۲).

ص: ۸۹

۱- ۱۲۰. ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲- ۱۲۱. السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۰۵.

گاهی گفته می شود که برپایی مراسم عزا با وحدت مسلمانان سازگاری ندارد؛ زیرا این مراسم در برگیرنده اعتراض و لعن بر برخی از خلفای مسلمانان است، و لذا به جهت ایجاد وحدت در بین مسلمین ترک آن لازم و ضروری است.

پاسخ: اولاً: قضیه امام حسین علیه السلام نه تنها به مصلحت شیعه است بلکه به مصلحت مسلمانان و عموم آزادی خواهان عالم است، لذا با برپایی مراسم یادبود حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و با ایجاد روحیه شهادت طلبی در راه تثبیت آزادی و ایمان می توان جوامع بشری را از یوغ اسارت و بردگی دیگران رهایی بخشید.

ثانیاً: در ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام چندان سخنی از صحابه به میان نمی آید. مگر نه این است که عموم صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت امام حسین علیه السلام را دوست می داشتند و او را احترام می نمودند؟ و حتی برخی از آنان در کربلا در رکاب امامشان به شهادت رسیدند که از آن ها می توان به حیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، بریر بن خضیر همدانی، عروه غفاری و دیگران اشاره کرد.

یادبود عاشورای حسینی هرگز بین مسلمانان ایجاد اختلاف نکرده و نخواهد کرد. آری، یادبود حسینی می تواند بین مسلمانان و منافقان دغل کاری امثال یزید و ابن زیاد و عمر بن سعد و اتباع آنان تفرقه بیندازد.

ص: ۹۲

توضیح

از برخی روایات شیعه و سنی استفاده می شود که سینه زدن در سوگ امام حسین علیه السلام گر چه موجب قرمز شدن سینه شود، اشکالی نداشته، بلکه امری راجح است.

الف - روایات شیعه

با مراجعه و تأمل در روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود که ایشان انواع عزاداری مشروع از قبیل سینه زنی را اجازه داده اند. اینک به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

۱ - شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لاشی فی اللطم علی الخدود سوی الاستغفار و التوبه، و قد شققن الجيوب و لطنن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی علیهما السلام و علی مثله تلطم الخدود و تشقّ الجيوب»؛^(۱) «چیزی در زدن بر صورت به جز

ص: ۹۳

استغفار و توبه نیست، زیرا زنان فاطمی در سوگ حسین بن علی علیهما السلام گریبان چاک داده و به صورت زدند. و بر مثل حسین باید به صورت زده و گریبان چاک داد.»

۲- در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «فلَمَّا رَأَى النِّسَاءَ جَوَادِكُمْ مَخْزِيًّا... برزن من الخدور ناشرات الشعور، علی الخدود لاطمات و بالعویل ناحیات»؛^(۱)

«زنان چون اسب زخم خورده تو را دیدند... از پشت پرده ها بیرون آمدند در حالی که موهای خود را پریشان کرده و بر صورت می زدند و با صدای بلند نوحه می کردند.»

۳- و نیز در آن زیارت می خوانیم که امام زمان علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام عرض می کند: «و لأندبَنک صباحاً و مساءً، و لأبکینَّ علیک بدل الدموع دماً»؛^(۲) «من صبح و عصر بر تو ندبه می کنم و به جای اشک ها بر تو خون می گریم.»

۴- از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: «انَّ یومَ الحسینِ اقرح جفوننا و اسبل دموعنا و اذلَّ عزیزنا بأرض کرب و بلا، و اورثنا الکرب و البلاء الی یوم الانقضاء...»؛^(۳) «همانا روز حسین علیه السلام پلک های ما را زخم کرده و اشکان ما را ریزان نموده و عزیز ما را در سرزمین کرب و بلا

ص: ۹۴

۱- ۱۲۳. کامل الزیارات، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۲- ۱۲۴. همان.

۳- ۱۲۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

ذلیل کرده است. و غصه و بلا را تا روز قیامت برای ما به ارث گذارده است.»

۵ - شیخ مفید رحمه الله نقل می کند: چون زینب علیهم السلام اشعار برادرش حسین علیه السلام را شنید که می گوید: «یا دهر افّ لك من خلیل...» سلی به صورت زد و دست برد و گریبان چاک داد و بیهوش شد. (۱)

۶ - سید بن طاووس نقل کرده: «چون اسیران در بازگشتشان به مدینه به کربلا رسیدند، جابر بن عبد الله انصاری را همراه جماعتی از بنی هاشم و مردانی از آل رسول مشاهده کردند که برای زیارت قبر حسین علیه السلام آمده اند. همگی در یک وقت به هم رسیدند و شروع به گریه و حزن کرده و بر خود می زدند و چنان عزاداری به پا کردند که جگرها را می سوزاند. زنان آن سرزمین نیز با آنان همنا شده و چند روز عزاداری بر پا کردند. (۲)

۷ - ابن قولویه نقل کرده که حورالعین در اعلی علین بر حسین به سینه و صورت زدند. (۳)

۸ - کلینی به سند خود از جابر نقل می کند که به امام باقر علیه السلام عرض کرد: جزع چیست؟ حضرت فرمود: «اشدّ الجزع الصراخ بالویل والعیل»

ص: ۹۵

-
- ۱- ۱۲۶. الارشاد، شیخ مفید رحمه الله، ص ۲۳۲.
 - ۲- ۱۲۷. لهوف، ص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۶.
 - ۳- ۱۲۸. کامل الزیارات، ص ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۱.

و لطم الوجه و الصدر...»؛^(۱) «شدیدترین جزع، فریاد و واویلا و صیحه و زدن به صورت و سینه است...».

ب - روایات اهل سنت

اهل سنت نیز روایاتی را نقل کرده اند که دلالت بر رجحان سینه زنی در سوگ اولیای الهی خصوصاً سالار شهیدان امام حسین علیه السلام دارد. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - ابن کثیر نقل کرده که چون اسیران را بر امام حسین علیه السلام و اصحابش مرور دادند زنان شیون کشیده، به صورت خود زدند، و زینب صدا بلند کرد: «یا محمداه...».^(۲)

این در حالی است که هرگز امام سجاد علیه السلام که همراهشان بود به عمل آنان اعتراض نکرد.

۲ - زمانی که امام حسین علیه السلام در کربلا چنین رجز خواند:

یا دهر افّ لک من خلیل

کم لک فی الاشرار و الاصلیل

صدا به گوش زینب علیها السلام رسید. در این هنگام پیراهن خود را چاک داده، بر صورت خود زد و سربرهنه از خیمه بیرون آمد و فریاد برآورد: واثکلاه، و احزنانه.^(۳)

ص: ۹۶

۱- ۱۲۹. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۱۵.

۲- ۱۳۰. البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۱۰؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج ۲، ص ۳۹.

۳- ۱۳۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۱۹؛ کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۹۴.

۳- از جمله ادله عدم حرمت بر سینه و صورت زدن در سوگ انبیا و اوصیا و فرزندان انبیا، خصوصاً کسانی که بر روی زمین هیچ کس مثل آنان نبوده است، روایتی است که احمد و دیگران به سند صحیح از عایشه نقل کرده اند که گفت: «... رسول خداصلی الله علیه وآله قبض روح شد[... (۱)]، آنگاه سر او را بر بالشتی قرار دادم. در این هنگام من با زنان برخواسته و به خود زده و من به صورت خود می زدم...» (۲)

محمد سلیم اسد درباره سند این حدیث می گوید: «این سند صحیح است» (۳)

۴- مجرد زدن انسان به خودش در مصیبتی که به او وارد شده، دلیلی بر حرمت آن نیست؛ زیرا احمد بن حنبل به سند خود از ابو هریره نقل کرده که شخصی اعرابی نزد رسول خداصلی الله علیه وآله آمد و شروع به زدن به صورت خود کرد و موی خود را می کند و می گفت: من خودم را هلاک شده می بینم. رسول خداصلی الله علیه وآله به او فرمود: چه چیز تو را هلاک نموده است؟! او گفت من در ماه رمضان با همسر خود جماع کردم! حضرت به او فرمود: آیا می توانی یک بنده آزاد کنی؟ (۴)

در این حدیث مشاهده می کنیم که پیامبرصلی الله علیه وآله بر این کار او اعتراض نکرد و او را از زدن به صورت و کندن مو نهی ننمود.

ص: ۹۷

۱- ۱۳۲. در حالی که در دامن من قرار داشت، (ما نظر اهل سنت را در خصوص این موضوع که بر دامن عایشه بوده صحیح نمی دانیم).

۲- ۱۳۳. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۷۴.

۳- ۱۳۴. حاشیه مسند ابی یعلی، ج ۵، ص ۶۳.

۴- ۱۳۵. مسند احمد، ج ۲، ص ۵۱۶.

۵- ابن عباس قضیه طلاق پیامبر صلی الله علیه وآله و همسران خود را نقل می کند که در آن آمده است: عمر گفت: من بر حفصه وارد شدم در حالی که ایستاده بود و به خود می زد، و همچنین همسران پیامبر نیز ایستاده و به خود می زدند. من به حفصه گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه وآله تو را طلاق داده است؟... (۱)

۶- سبط بن جوزی می گوید: «چون حسین علیه السلام کشته شد، ابن عباس مرتب بر او می گریست تا این که چشمانش کور شد». (۲)

۷- جرجی زیدان می گوید: «شکی نیست که ابن زیاد با کشتن حسین علیه السلام جرم بزرگی را مرتکب شد که فجیع تر از آن در تاریخ عالم واقع نشده است. و لذا باکی نیست بر شیعه که به جهت کشته شدن حسین علیه السلام اظهار ظلم کرده، بر او در هر سال بگریزد، و گریبان چاک دهد، و با اظهار تأسف بر او به سینه های خود زند؛ زیرا او مظلومانه کشته شد». (۳)

بررسی ادله مخالفین

اشاره

مخالفین سینه زنی به ادله ای چند از روایات فریقین تمسک کرده اند:

الف - روایات عامه

بخاری به سند خود از عبدالله نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «لیس منّا

ص: ۹۸

۱- ۱۳۶. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۳۴.

۲- ۱۳۷. تذکره الخواص، ص ۱۵۲.

۳- ۱۳۸. تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۳۰، به نقل از جرجی زیدان.

من لطم الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوى الجاهليه»؛^(۱) «از ما نیست کسی که به صورت سیلی زده، یقه ها چاک دهد و مدعی دعوی جاهلیت باشد.»

برخی به این حدیث تمسک کرده و از سینه زنی و نوحه سرایی در سوگ اولیای الهی خصوصاً سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام منع کرده اند.

پاسخ

این حدیث ناظر به موردی است که کسی این افعال را به عنوان اعتراض به قضای الهی در مقابل مرگ عزیزش انجام دهد. و این نکته ای است که بسیاری از شارحان صحیح بخاری؛ از قبیل: عسقلانی، ملا علی قاری، کرمانی، قسطلانی به آن اشاره کرده اند.^(۲)

کرمانی می نویسد: «اگر کسی بگوید: گریبان چاک کردن و به صورت زدن باعث نمی شود که فاعل این دو کار از این امت خارج گردد، پس این نفی چه معنایی دارد؟ در جواب می گوئیم: این به جهت شدت و تغلیظ است، مگر آن که ادعای مطالب جاهلیت را به گونه ای تفسیر کنیم که موجب کفر شود، مانند تحلیل حرام یا عدم تسلیم در برابر قضای الهی، که در این صورت نفی حقیقی است.»^(۳)

ص: ۹۹

۱- ۱۳۹. صحیح بخاری، ح ۱۲۲۰.

۲- ۱۴۰. فتح الباری، ج ۳، ص ۱۹۵؛ شرح الکرمانی علی البخاری، ج ۷، ص ۸۸؛ ارشاد الساری، ج ۲، ص ۴۰۶؛ عمدہالقاری، ج ۸، ص ۸۷.

۳- ۱۴۱. شرح کرمانی بر بخاری، ج ۷، ص ۸۸.

مناوی در ذیل این حدیث می نویسد: «این تعبیر دلالت بر عدم رضایت دارد، و سبب آن چیزی است که این اعمال متضمن آن است که از آن جمله راضی نبودن به قضای الهی است»^(۱).

نتیجه این که: این حدیث هرگز ناظر بر سینه زنی در روز عاشورا و در عزای امام حسین علیه السلام و دیگر اولیای الهی نیست، عملی که به جهت تعظیم دین و شعائر آن و اظهار محبت نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام انجام می گیرد.

ب - روایات اهل بیت علیهم السلام

در منابع شیعی روایاتی وجود دارد که به ظاهر از نوحه سرایی و سینه زنی نهی کرده است؛

۱ - جابر بن عبدالله انصاری می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره (جزع) سؤال کردم؟ حضرت فرمود: «اشدّ الجزع الصراخ بالویل و لطم الوجه و الصدر و جزّ الشعر من النواصی و من اقام النواحه فقد ترك الصبر و اخذ فی غیر طریقه»؛^(۲) «شدیدترین مرتبه جزع عبارت است از فریاد همراه وای گفتن، زدن به صورت و سینه و کندن مو از جلوی سر، و هر کس نوحه گری بر پا کند به طور حتم صبر را رها کرده و در راه غیر صبر قرار گرفته است.»

ص: ۱۰۰

۱- ۱۴۲. فیض القدیر، ج ۵، ص ۴۹۳.

۲- ۱۴۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۱۵، باب کراهه الصراخ بالویل و العویل.

۲- از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نهی رسول الله صلی الله علیه وآله عن الرنه عند المصیبه و نهی عن النیاحه و الاستماع اليها»؛^(۱) «رسول خداصلی الله علیه وآله از فریاد برآوردن هنگام مصیبت نهی کرده است. و نیز از نوحه سرایی و گوش دادن به آن نیز نهی نموده است.»

۳- عمرو بن ابی مقدم می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره آیه «وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ»^(۲) فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله به دخترش فاطمه علیها السلام فرمود: «اذا أنا متّ فلاتخمشی علیّ وجهاً ولا تُرخی علیّ شعراً ولا تنادی بالویل ولا تقيمنّ علیّ نائحه»؛^(۳) «هر گاه من از دنیا رفتم صورت خود را خراش مده، و موی خود را پریشان مساز و برای من نوحه گری نکن.»

پاسخ

اولاً: این دسته از روایات اصل برپایی مجالس عزا را نهی نمی کند، بلکه از هر عملی که با قضا و قدر الهی منافات داشته باشد جلوگیری کرده است؛ زیرا برخی در فراغ از دست رفته خود شکوه و اعتراض نموده، مقدرات الهی را زیر سؤال می برند، ولی اگر در نوحه سرایی و مرثیه خوانی برای میت تنها ذکر فضایل و خوبی های او گفته شود اشکالی ندارد.

ثانیاً: روایات ناهیه مربوط به موردی است که بر نوحه گری و مرثیه خوانی اثری عقلائی مترتب نگردد، در حالی که عزاداری برای

ص: ۱۰۱

۱- ۱۴۴. همان.

۲- ۱۴۵. سوره ممتحنه، آیه ۱۲.

۳- ۱۴۶. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۱۵.

اولیای الهی دارای آثاری عقلایی است. و نیز به اثبات رساندیم که می توانیم آن را داخل در ادله عام کنیم. خصوصاً آن که ثابت شد که سیره رسول خداصلی الله علیه وآله و اهل بیت عصمت و طهارت و صحابه و تابعین و مسلمانان در طول تاریخ بر برپایی مراسم عزا و مرثیه خوانی و نوحه گری در سوگ اولیای الهی، خصوصاً امام حسین علیه السلام بوده است.

ثالثاً: در برخی از روایات تصریح به جواز بلکه رجحان نوحه گری و جزع در سوگ امام حسین علیه السلام شده است:

۱ - در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛^(۱) «هر جزع و گریه ای مکروه است به جز جزع و گریه بر امام حسین علیه السلام.»

۲ - امام رضا علیه السلام به پسر شیب فرمود: «... إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اقْرَحْ جَفُونَنَا وَ اسْبِلْ دُمُوعَنَا وَ اذَلِّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ اورثنا الكرب و البلاء الى يوم الانقضاء...»؛^(۲) «همانا روز حسین علیه السلام پلک های ما را زخم کرده و اشک های ما را جاری ساخته و عزیز ما را در زمین کرب و بلا ذلیل کرده است. و تا روز انقضاء [دنیا] غصه و بلا را برای ما به ارث گذارده است.»

۳ - امام صادق علیه السلام به عبدالله بن حماد فرمود: «به من خبر رسیده که گروه هایی از اطراف کوفه و نقاط دیگر و نیز گروهی از خانم ها در نیمه

ص: ۱۰۲

۱- ۱۴۷. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹.

۲- ۱۴۸. همان، ص ۲۸۵.

شعبان، کنار تربت پاک حسین بن علی علیه السلام اجتماع نموده، بر حسین علیه السلام نوحه سرایی کرده و قرآن تلاوت می کنند و گروهی به نقل تاریخ و برخی دیگر به مرثیه سرایی می پردازند.

حماد عرض کرد: من خود شاهد چنین مراسمی بوده ام. امام فرمود: خدا را سپاس که برخی از مردم را علاقه مند ما قرار داده تا به مدح و ستایش ما پرداخته و برای ما سوگواری کنند، دشمنان ما را مورد سرزنش قرار داده، کارهای زشت و ناپسند آنان را آشکار نمایند». (۱)

۴- ابن قولویه از مسمع کردین روایت کرده که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «... آیا مصایب کربلا را به یاد می آوری؟» عرض کردم: آری. فرمود: «... آیا جزع و اظهار ناراحتی می کنی؟» گفتم: آری، سوگند به خدا! که گریه می کنم. حضرت فرمود: «خدا گریه ات را بپذیرد. آگاه باش! که تو از کسانی هستی که برای مصایب ما اظهار ناراحتی و جزع می کنند. تو از کسانی هستی که در خوشحالی ما خوشحال و در اندوه و حزن ما اندوهناکند...». (۲)

ص: ۱۰۳

۱- ۱۴۹. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۵۳۹، باب ۱۰۸.

۲- ۱۵۰. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹.

شکی نیست که پوشیدن لباس مشکی خصوصاً در حال نماز نزد مشهور امامیه کراهت دارد، بلکه ادعای اجماع بر آن نیز شده است. ولی بحث این است که آیا این کراهت ذاتی است، یعنی به لحاظ این که لباس مشکی است مکروه است یا به جهت این که شعار بنی عباس بوده (۱) یا چون لباس اهل جهنم است (۲)، مکروه می باشد؟

از ظاهر برخی ادله استفاده می شود که کراهت آن ذاتی نیست و لذا در صورتی که عنوان دیگری به خود گیرد؛ مثل این که شعار حزن بر اولیای الهی شود نه تنها کراهت سابق را از دست می دهد بلکه داخل در عنوان احیای شعائر الهی شده، مستحب نیز می گردد. خصوصاً آن که با مراجعه اخبار و تواریخ پی می بریم که اهل بیت علیهم السلام هنگام عزا در مصیبت فقدان یکی از بزرگان، لباس مشکی را می پوشیده، یا پوشیدن آن را امضا کرده اند. اینک به نمونه هایی که در کتب شیعه و سنی آمده اشاره می کنیم:

ص: ۱۰۵

۱- ۱۵۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲- ۱۵۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۱، باب ۲۰ از ابواب لباس مصلی، ح ۳.

الف - روایات شیعه

۱ - برقی به سندش از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «چون جدم حسین علیه السلام کشته شد، زنان بنی هاشم در ماتم او لباس سیاه پوشیدند و آن را در گرما و سرما تغییر ندادند. و پدرم علی بن الحسین علیهما السلام برای آنان در هنگام عزاداری غذا آماده می کرد.» (۱)

۲ - ابن قولویه به سندش نقل کرده که فرشته ای از فرشته های فردوس بر دریا فرود آمد و بال های خود را بر آن گسترده. آن گاه صیحه ای زد و گفت: «ای اهل دریاها! لباس های حزن به تن کنید؛ زیرا فرزند رسول خدا ذبح شده است. آن گاه قدری از تربت او را بر بال های خود گذارده و به سوی آسمان ها برد. و هیچ فرشته ای را ملاقات نکرد جز آن که آن را استشمام نمود و اثری از آن نزد او ماند.» (۲)

ب - روایات عامه

۱ - ابن ابی الحدید از مدائنی نقل می کند: چون علی علیه السلام وفات یافت، عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب نزد مردم آمد و گفت: همانا امیرالمؤمنین علیه السلام وفات یافت، او کسی را به عنوان جانشین خود قرار داده است، اگر او را اجابت می کنید نزد شما می آید و اگر کراهت دارید کسی بر

ص: ۱۰۶

۱- ۱۵۳. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۹۰.

۲- ۱۵۴. کامل الزیارات، ص ۶۷ و ۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.

دیگری اصراری ندارد؟ مردم گریستند و گفتند: بلکه به سوی ما بیاید. حسن علیه السلام در حالی که لباس مشکی به تن داشت نزد آنان آمد و خطبه ای ایراد فرمود. (۱)

۲- ابی مخنف روایت کرده که نعمان بن بشیر خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به اهل مدینه ابلاغ نمود... در مدینه زنی نبود جز آن که از پشت پرده بیرون آمد و لباس مشکی پوشیده، مشغول عزاداری شد. (۲)

۳- عمادالدین ادریس قرشی از ابی نعیم اصفهانی به سندش از ام سلمه نقل کرده که چون خبر کشته شدن امام حسین علیه السلام به او رسید خیمه ای سیاه در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله زد و لباس مشکی به تن نمود. (۳)

۴- و نیز ابن ابی الحدید از اصیغ بن نباته نقل می کند که گفت: «بعد از کشته شدن امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد کوفه شدم، حسن و حسین را مشاهده کردم که لباس مشکی به تن داشتند. (۴)

ص: ۱۰۷

۱- ۱۵۵. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۲.

۲- ۱۵۶. مقتل ابی مخنف، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۳- ۱۵۷. عیون الاخبار و فنون الآثار، ص ۱۰۹.

۴- ۱۵۸. شرح ابن ابی الحدید.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۶ صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- ۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات
- ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۲ و ۱) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی
- ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش
- ۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات
- ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۲ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری

۲۶ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۲۹ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری

ص: ۱۰۸

- ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- ۳۵ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- ۳۷ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور
- ۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی
- ۳۹ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد
- ۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی
- ۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا
- ۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش
- ۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری
- ۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی
- ۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی
- ۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد
- ۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی
- ۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی
- ۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای
- ۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۲ دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا

۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی

۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی

۵۶ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات

۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۹ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۶۳ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) محمد حسین نائیجی

۶۵ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۹ عطر سبب حامد حجّتی

۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۷۵ فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی

۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی

۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش) حسن صدری

۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۴ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۸۷ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی

۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۸۹ مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله

۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۹۱ مکمال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی

۹۲ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر

۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری

۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای

۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

ص: ۱۱۰

- ۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات
- ۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۰۴ نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی
- ۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده
- ۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر
- ۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۱۰۹ نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی
- ۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری
- ۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی
- ۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات
- ۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری
- ۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله
- ۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی / بیژن کرمی
- ۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی
- ۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی
- ۱۱۹ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۶۲۸۰۶۷۱-۲ - ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

سلسله کتاب های پیرامون وهابیت

۱ - شناخت سلفی ها (وهابیان)

۲ - ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت

۳ - خدا از دیدگاه وهابیان

۴ - مبانی اعتقادی وهابیت

۵ - موارد شرک نزد وهابیان

۶ - توسل

۷ - زیارت قبور

۸ - برپایی مراسم جشن و عزا

ص: ۱۱۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

